

The Encyclopedia of Comparative Jurisprudence and Law

Modern Criminology in Economic Crimes and Its Components in Iran's Legal System

Reza Pirouzeh^{1*}

1. Master of Criminal Law and Criminology, Department of Law, University of Mazandaran, Mazandaran, Iran

* Corresponding Author's Email: reza.pirozeh74@gmail.com

ABSTRACT

The formation and sustained stability and dynamism of human societies necessitate the establishment of interpersonal relations. Within the course of human interactions, conflicts of interest and clashes between citizens' rights and those of the state are inevitable. In this context, certain individuals may resort to violating laws and regulations to safeguard their interests. Consequently, the state, based on the principles and general rules of the social contract, enacts laws and regulations to ensure public security and order. Economic crimes not only undermine the economic system but also challenge all levels of the social system, necessitating comprehensive criminal policy to effectively address such offenses. Iran's economic environment, due to its susceptibility to multiple vulnerabilities, presents a more conducive setting for economic crimes compared to advanced economic systems. However, Iran's legal system, particularly its criminal law, lacks specific measures to counteract these crimes. Modern criminology in economic crimes constitutes a branch of criminal law that involves the scientific study, research, evaluation, and analysis of practical methods aimed at promoting individual and social benefits, as well as the implementation of criminal sanctions. Given the urgent need to modernize the legal system, the significance of modern criminology in economic crimes has become increasingly prominent. Preliminary analysis identifies the following components of modern criminology: prioritizing alternatives to imprisonment, such as community service, house arrest, and monetary fines. Since modern criminology in economic crimes represents a relatively new issue within legal systems, this study employs a documentary and library-based research methodology, gathering information from existing library resources. Analysis of the research findings reveals that one of the key components of modern criminology in economic crimes within contemporary legal frameworks—prioritizing alternatives to imprisonment—is necessary for several reasons, including rising crime rates and recidivism, the erosion of a sense of responsibility among prisoners, the fostering of feelings of inferiority within correctional facilities, the encouragement of societal hostility, social exclusion, and unemployment among released offenders. Therefore, the aim of this research is to explore modern criminology in economic crimes and examine its components within Iran's legal system.

Keywords: *Criminology, Economic Crimes, Iran's Legal System*

How to cite: Pirouzeh, R. (2023). Modern Criminology in Economic Crimes and Its Components in Iran's Legal System. *The Encyclopedia of Comparative Jurisprudence and Law*, 1(2), 206-234.



تاریخ ارسال: ۲۷ خرداد ۱۴۰۲
 تاریخ بازنگری: ۲۱ مرداد ۱۴۰۲
 تاریخ پذیرش: ۲۸ مرداد ۱۴۰۲
 تاریخ چاپ: ۲۰ شهریور ۱۴۰۲

دانشنامه فقه و حقوق تطبیقی

کیفرشناسی نوین در جرایم اقتصادی و مولفه‌های آن در نظام حقوقی ایران

رضا پیروزه^۱

۱. کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، گروه حقوق، دانشگاه مازندران، بابلسر، مازندران، ایران
 * پست الکترونیک نویسنده مسئول: reza.pirozeh74@gmail.com

چکیده

تشکیل جوامع انسانی و تداوم پایایی و پویایی آن، مستلزم برقراری ارتباط میان افراد است. در فرایند تعاملات انسانی، بروز تعارض منافع و اصطکاک میان حقوق شهروندان با یکدیگر و با حاکمیت، امری دور از ذهن نیست و در این میان ممکن است برخی افراد برای حفظ منافع خود به نقض قوانین و مقررات و قواعد حاکم بر جامعه مبادرت کنند. لذا حاکمیت بر پایه اصول و قواعد کلی قرارداد اجتماعی برای برقراری امنیت و نظم عمومی به وضع قوانین و مقررات اقدام می‌نماید. جرایم اقتصادی نه تنها نظام اقتصادی بلکه تمام سطوح نظام اجتماعی را دچار چالش می‌کند و باید این دسته از جرایم با سیاست جنایی جامعی کنترل شود. فضای اقتصادی ایران هم به دلیل ابتلا به آسیب‌های عدیده، نسبت به نظام‌های اقتصادی پیشرفته، زمینه مساعدتری برای ارتکاب جرم اقتصادی ایجاد می‌کند، درحالی‌که نظام حقوقی به‌ویژه حقوق کیفری ایران تدبیر خاصی در برابر این دسته از جرایم ندارد. کیفرشناسی نوین در جرایم اقتصادی از جمله مباحث حقوق کیفری می‌باشد که منظور از آن مطالعه، تحقیق، ارزیابی و بررسی روش‌های علمی اجرایی است که به فایده مندی فردی و اجتماعی و شیوه‌های اجرایی کیفرها می‌پردازد. باتوجه به ضرورت روز آمد شدن نظام حقوقی مسئله کیفرشناسی نوین در جرایم اقتصادی بیش از پیش اهمیت می‌یابد. در یک بررسی اولیه مولفه‌های کیفرشناسی نوین عبارتند از: اولویت بخشی به مجازات‌های جایگزین حبس، کارعام المنفعه، بازداشت خانگی، جزای نقدی و... از آنجا که مسئله کیفرشناسی نوین در جرایم اقتصادی، مسئله جدیدی در نظام‌های حقوقی می‌باشد، روش گردآوری داده در این پژوهش اسنادی-کتابخانه‌ای است و اطلاعات با کمک منابع اطلاعاتی موجود در کتابخانه جمع‌آوری گردیده است. با تامل در مفاد پژوهش دریافتیم که یکی از مولفه‌های کیفرشناسی نوین در جرایم اقتصادی در حقوق معاصر که اولویت بخشی به مجازات‌های جایگزین حبس است بنا به دلایلی اعم از مساله ازدیاد جرایم و تکرار جرم، نابودی حس مسئولیت پذیری افراد زندانی و ایجاد حس حقارت در زندانی و برانگیختن حس دشمنی با جامعه، طرد اجتماعی و بیکاری محکومان ازاد شده و.. ضرورت می‌یابد. لذا هدف از این پژوهش شناخت کیفرشناسی نوین در جرایم اقتصادی و بررسی مولفه‌های آن در نظام حقوقی ایران می‌باشد.

کلیدواژگان: کیفرشناسی، جرایم اقتصادی، نظام حقوقی ایران

نحوه استناددهی: پیروزه، رضا. (۱۴۰۲). کیفرشناسی نوین در جرایم اقتصادی و مولفه‌های آن در نظام حقوقی ایران. *دانشنامه فقه و حقوق تطبیقی*، ۱(۲)، ۲۰۶-۲۳۴.



که بنا بر ضابطه جرم شناختی، انگیزه مرتکب، آثار رفتار وی و محیط ارتكابی جرم به شناخت جرم اقتصادی کمک می‌کند و مطابق با ضابطه اقتصادی اخلال در سیاست‌های کلان اقتصادی دولت (پولی، مالی و درآمدی) و فعالیت شرکت‌ها و بنگاه‌های اقتصادی و نظام تولید، توزیع و مصرف، چهره دیگری از جرم اقتصادی را می‌شناساند. به این ترتیب در پرتو ضابطه اقتصادی با ملاحظه ضابطه جرم‌شناختی، می‌توان در شناسایی جرم اقتصادی گامی به جلو برداشت (Rostami, 2016). تشابه جرم اقتصادی با مفاهیم مشابه موجب شد تا نتوان تعریف جامع و مانعی برای آن ارائه نمود. ارتباط و نزدیکی جرم اقتصادی با فساد مالی، فساد اقتصادی، جرم تجاری یا بازرگانی و ... به گونه‌ای است که در برخی موارد هم‌پوشانی داشته باشند. در مقایسه فساد مالی با جرم اقتصادی می‌توان گفت که فساد مالی، با سوءاستفاده از قدرت تفویض‌شده در جهت منافع شخص اعم از این‌که در بخش خصوصی باشد یا دولتی صورت می‌گیرد که در آن ویژگی مرتکب جرم (صاحبان قدرت و مستخدمین دولتی یا وابسته به دولت) موضوعیت دارد ولی مرتکب جرایم اقتصادی می‌تواند هر فردی از اعضای جامعه اعم از کارکنان دولت یا دیگر طبقات اجتماعی باشد. لذا ارتکاب جرایم فساد مالی که صرفاً اعتماد مردم به کارگزاران دولتی را مخدوش می‌کند بدون این‌که مؤثر در فعالیت‌های اقتصادی باشد، نمی‌تواند مصداق جرم اقتصادی باشد (Esfandiari & Javan Jafari, 2020).

فساد اقتصادی نیز به‌خودی خود جرم محسوب نمی‌شود بلکه می‌تواند معیاری برای شناسایی جرم اقتصادی باشد. به عبارت بهتر، فساد اقتصادی رفتاری است که بنیان اقتصادی کشور را مورد تهدید قرار می‌دهد درحالی‌که جرم اقتصادی ناظر به اعمال مخل به سیاست‌ها و فعالیت‌های اقتصادی است. به‌عنوان مثال عدم رعایت ضوابط در توزیع خدمات و

نظام عدالت کیفری، در دستور العمل جدید خود، از منطقی تبعیت می‌کند که از طریق آن بتواند جایگاه از دست رفته خود را بازیابد. این منطق جدید، با عنوان کیفرشناسی نوین یا عدالت محاسبه‌گر، خانه تکانی گسترده‌ای را در این نظام ایجاد کرده است؛ به گونه‌ای که همه چیز در آن، رنگ و لعابی مدیریتی به خود گرفته است؛ این پس، جرم و مجرم در چارچوب مفهوم خطر قابل درک است؛ تکنیک‌های نظام عدالت کیفری نیز هم گام با این تغییر رویه پیش رفته و در مواردی، مدل‌های جدیدی از آن ایجاد شده است (Braithwaite, 2023). قانون جدید مجازات اسلامی برای نخستین بار به روش (تبیین حصری مصادیق) مفهومی از جرم اقتصادی ارائه کرده است. اما به دلیل ابهام در مصادیق، عدم جامعیت مصادیق و فقدان معیار خاص برای تمییز جرایم اقتصادی از سایر جرایم، این مفهوم بیش از آنکه به نفع نظام حقوقی باشد به نفع مجرمان اقتصادی واقعی است (Haji Dehabadi & Ghaderi Nia, 2021). کیفرشناسی نوین در جرایم اقتصادی بیان می‌کند که تربیت و اصلاح بزهکاران از طریق پرورش مهارت‌های مربوط به استدلال‌های اخلاقی و آموزش مهارت‌های اجتماعی به مجرمان و نوجوانان بزهکار و والدین آنها در محیط خانواده و اصلاح و تغییر نگرش دست اندرکاران امور مجرمان باید صورت بگیرد. وجود نظام‌های مختلف اقتصادی سبب شده تا اعمال مخل سیاست‌ها و فعالیت‌های اقتصادی به فراخور زمان‌ها و مکان‌های مختلف، واکنش اجتماعی متفاوتی را در پی داشته باشد. این چندگانگی در عرصه اقتصاد و واکنش‌های اجتماع، ارائه تعریف از جرم اقتصادی را دشوار می‌سازد. از سوی دیگر ارائه تعریف، حصر مصادیق و به تبع آن محدودیت واکنش و دشواری در حصول اهداف پیشگیرانه قانونگذار را موجب می‌شود. لذا به‌جای تعریف، تبیین معیارها و ضوابط می‌تواند راه‌گشا باشد. از این رو دو ضابطه جرم‌شناختی و اقتصادی مورد بررسی واقع شده

بازخواست کند و اثرات مطلوب آن را به‌گونه‌ای ملموس احساس کند. در کنار این موارد یکی از حقوق مسلم بزه‌دیده، که از جرم ناشی می‌شود، التیام آلام بزه‌دیده با کیفردهی بزه‌کار است. تحقق این حقوق سه‌گانه که تعارض و تزامم بالایی با هم دارند مقتضی یک راهبرد کیفری هدفمند است. کیفرشناسی نوین در جرایم اقتصادی به معنای سیاست‌گذاری در زمینه مجازات، اعم از نوع و میزان، مبتنی بر یک منطق قابل پیش‌بینی و قاعده‌مند است که آموزه‌های علمی کیفرشناختی و جرم‌شناختی در آن نقشی پررنگ دارند و اصول مسلم حقوق کیفری مانند اصل تناسب، اصل کاربرد کمینه حقوق جزا، اصل اعتدال و ... بر آن حاکم هستند و در عین حال به مصالح هر سه طرف بزه یعنی بزه‌کار، بزه‌دیده و جامعه توجه دارد (Mahmoodi Janki, 2019). توجه ناکافی و نابرابر ادبیات پژوهشی به بحث کیفر در مقایسه با مباحث فراوان راجع به جرم و جرم‌شناسی وضعی نامتعادلی را در ادبیات علوم جنایی پدید آورده است که بی‌شبهت به یک کلینیک درمانی مجهز و پیشرفته با داروهای محدود و مجهول‌الاثرا نیست که در آن تمام وسایل و تجهیزات برای شناسایی بیماری در آن به‌کار گرفته می‌شوند، اما گزینه‌های درمان و داروها برای اکثر بیماران تقریباً یکسان و مشابه هستند. هرچند دلیلی قانع‌کننده برای تحلیل این وضعیّت به ذهن نمی‌رسد، شاید یکی از دلایل توجه کمتر به مقوله کیفر، موضوعی بودن مسئله و در عین حال پیچیدگی آن باشد. این امر سبب شده است که به بحث کیفر همراه با مقوله جرم‌انگاری یا حتی ذیل آن به صورت مختصر اشاره شود و تا کنون اهمیّت شایسته خود را در ادبیات پژوهشی حقوق کیفری نیابد (Braithwaite, 2023). در حقوق داخلی پژوهشی که به طور مشخص به ارائه یک مدل جامع در خصوص سیاست‌گذاری کیفری پردازد مشاهده نشد. هرچند برخی تحقیقات به صورت جزئی در خصوص جرایمی خاص به ارائه یک مدل کیفرگذاری پرداخته‌اند. برای مثال، محبی و ریاضت (۱۴۰۱) در مقاله‌ای با عنوان مبانی و

امکانات دولتی و سوء تخصیص و اجحاف کارمندان و مسئولین دولتی نسبت به بخش خصوصی، فساد اقتصادی محسوب می‌شود. برخی جرایم مالی را جزئی از جرایم اقتصادی می‌دانند ولی مفهوم جرم اقتصادی با جرایم مالی نیز از نظر طبیعت یا ماهیت و هدف متفاوت است. در جرایم مالی، مصلحت خزانة دولت مورد تعدی و تجاوز قرار می‌گیرد و از طرفی ارزش مورد حمایت، اساساً سرمایه و دارایی اشخاص حقوق خصوصی و عمومی است مانند اختلاس و تدلیس در معاملات دولتی، ولی در جرایم اقتصادی، هدف اولیه و اساسی، حفظ و حمایت از سیستم اقتصادی یعنی ساختارهای مرتبط با تولید، توزیع و مصرف مال و ثروت است مثل پولشویی و اخلال در نظام پولی یا ارزی کشور (Gholami, 2020b). ناکامی در دستیابی به اهداف مجازات خود را در رشد جرم و به ویژه معضل تکرار جرم توسط مجرمان سابق نشان می‌دهد. نرخ بالای جرم و تکرار جرم محکومان سابق کارایی نظام عدالت کیفری را موضوع این پرسش بنیادین قرار داده است که آیا ناتوانی و ناکارآمدی عدالت کیفری اثبات شده است؟ این وضعیّت اگر ناشی از ناکارآمدی الگوی کیفری در نفس امر نباشد، از گزینش ناصحیح کیفر برای بزه یا بزه‌کار پرده برمی‌دارد که به نوبه خود موجب تشدید کیفرها شده است، چنانکه وقتی کیفرگذاران بی‌نتیجه ماندن کیفر را می‌بینند، به ساده‌ترین راه یعنی شدت بخشیدن به مجازات متمسک می‌شوند؛ در حالی که اگر کیفر از برآورده ساختن اهداف در خصوص بزه یا بزه‌کاری خاص ناتوان باشد، تشدید میزان هم تأثیری نخواهد داشت (Haji Dehabadi, 2020).

هر فرد دارای مسئولیّت کیفری که مرتکب بزه می‌شود حق دارد به گونه‌ای منطقی، منصفانه و باقاعده کیفر ببیند. این امر حق سلبی بزه‌کار مبنی بر کیفر ندیدن بی‌اندازه و بی‌قاعده را هم در خود گنجانده است. همچنین، جامعه حق دارد دولت را بابت هزینه‌هایی که در راستای پیشگیری از جرم و مجازات مجرمان صرف می‌کند

مدل کیفرگذاری تعزیری؛ مطالعه موردی جرایم علیه امنیت، درصد ارائه یک مدل کیفرگذاری در خصوص جرایم مذکور بوده‌اند. به باور ایشان و در مدل پیشنهادی آنها در کیفرگذاری تعزیری در حوزه جرایم علیه امنیت، با توجه به شرایط اجتماعی و سیاسی و حجم بالای توطئه‌ها علیه کشور، با ابتناء بر نظریه شدت و قطعیت باید بازدارندگی اولیه و ثانویه به طور توأمان پیگیری شوند. همچنین، غلامی و افضلیان (۱۴۰۲) در یک پژوهش با عنوان رویکردی کیفرشناختی به مبانی و کیفیت توزیع مجازات‌ها در کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی، ساختار مدل کیفری قانون مجازات را به صورت انتقادی بررسی کرده‌اند و در نهایت نتیجه گرفته‌اند که در شکل‌گیری ساختمان مجازات‌های کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی نظریه سزادهی نقش اصلی و مبنایی را ایفاء کرده است و نظریه‌های بازدارندگی و سلب توان بزهکاری به عنوان نظریه‌های تکمیلی و برای پر کردن خلأهای نظریه سزادهی وارد عرصه شده و ایفای نقش کرده‌اند. رستمی (۱۴۰۰) در پژوهشی دیگر با عنوان جرم‌انگاری و کیفرگذاری در پرتو اصول محدودکننده آزادی در نظریه لیبرال، درصد برآمده است با مبانی نظری لیبرالیسم و مؤلفه‌های آن، قلمرو و حدود جرم‌انگاری و کیفرگذاری را تبیین کند. مغفول ماندن بحران کیفرگذاری به ادبیات پژوهشی ایران محدود نمی‌شود. در جامعه بین‌المللی هم ادبیات پژوهشی در خصوص کیفرگذاری به غنای لازم دست نیافته است. بیشتر پژوهش‌ها به ارائه اصول و نظریه‌های کیفرگذاری و کیفردهی محدود شده‌اند و ارائه مدل پژوهشی و تبیین سازکار اجرایی یک مدل خاص کمتر مقصود پژوهشگران بوده است. گذشته از نظریه‌ها، رهنمودها و اصول انسان‌مدار کیفرگذاری و کیفردهی، که ادبیات پژوهشی کشورهای اروپایی سرشار از آنها است، نگارندگان با وجود جستجوی فراوان نتوانستند به یک پژوهش دارای یک الگوی اجرایی کیفرگذاری که اصول و مبانی خاص خود را داشته باشد دست یابند. گفتنی است نباید مباحث

کیفرشناسی نوین در جرایم اقتصادی و رویکرد تحلیل اقتصادی حقوق کیفری را با همه شباهتی که با هم دارند واحد پنداشت، زیرا تحلیل اقتصادی حقوق کیفری درصد فروکاهش حقوق کیفری به محاسبه سود یا کارایی اجتماعی است. در تحلیل‌های اقتصادی حقوق کیفری، کیفر ابزاری برای بازدارندگی و فایده‌گرایی است و مسئله جرم صرفاً مدیریت می‌شود، در حالی که در کیفرشناسی نوین در جرایم اقتصادی، غایت توسعه پایدار جامعه از جهت بزهکاری و حل مسئله جرم است. به دیگر سخن، اصلی‌ترین شاخص رویکرد اقتصادی حقوق کیفری تمرکز این رویکرد بر موضوع بازدارندگی است. در مقابل، اهتمام کیفرشناسی نوین در جرایم اقتصادی بر حل مسئله جرم با رعایت اصول کرامت‌مدار حقوق بشری است (Haji Dehabadi, 2020).

مقاله حاضر درصد است با همه مجهولات و ابهاماتی که به جهت پیچیدگی موضوع با آن روبه‌رو است، مدل کیفرشناسی نوین در جرایم اقتصادی را تبیین کند. سؤالات تحقیق حاضر پرسش‌هایی سهل و ممتنع هستند: مجازات هر جرم را چگونه باید تعیین کرد؟ معیار انتخاب نوع و میزان مجازات مطلوب و بهینه در هر جرم چیست؟ نوشتار حاضر در راستای معرفی یک راهبرد اجرایی و نه صرفاً ارائه مباحث نظری در چهار بخش ساماندهی شده است. در ابتدا مبانی نظری کیفرشناسی نوین در جرایم اقتصادی مطرح شده‌اند و از آنجا که کیفرشناسی نوین در جرایم اقتصادی مقید به اصول و بایسته‌های خاص است، در بخش دوم به مولفه‌های کیفرشناسی نوین در جرایم اقتصادی پرداخته شده است. سپس، شیوه کاربست و تدابیر اجرایی کیفرشناسی نوین در جرایم اقتصادی معرفی شده‌اند.

روش پژوهش

روش تحقیق در پژوهش حاضر توصیفی - تحلیلی می‌باشد. همچنین روش گردآوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای و رجوع

را همانند سایر خطرات طبیعی تهدید می‌کند. هماهنگونه که وقایع طبیعی از نظم مشخصی پیروی می‌کنند، وقایع مجرمانه تابع نظم مشابه است. به عبارت دیگر وقایع مجرمانه خواه یا ناخواه نظمی را در وقوع پدیده مجرمانه نشان می‌دهد. که در آن رویداد جرم توسط افراد کوچکی واقع می‌شود. سیاست‌های مبارزه با جرم در خصوص این درصد کوچک اما قابل توجه از مجرمان بی تأثیر است، آن‌ها لحظه‌ای از ارتکاب جرم دریغ نمی‌ورزند (Gholami, 2020b). به همین دلیل کیفرشناسان نوین توجیهات ساختاری و غیر ساختاری در خصوص پدیده مجرمانه را به دست فراموشی سپردند. در واقع رویکردهای علت شناختی افزون بر این که نتوانسته اند توضیحی قانع کننده در خصوص جرم ارائه دهند، کارکردی ناموفق در خصوص مبارزه با جرم و محو آن را نشان دادند که به سادگی نمی‌توان از کنار آن گذشت. با اختصاص هزینه‌های فراوان نرخ جرایم هروزه در حال افزایش است. محدودیت منابع مورد استفاده نظام عدالت کیفری کار را مشکل می‌کند. در این میان طبیعی بودن جرم و تبعیت آن از الگوی منظم کیفرشناسان را در اتخاذ راه حل مناسب برای برخورد با این پدیده یاری می‌رساند. چرا که رفتار مجرمانه که مبتنی بر نظم و قاعده است قابل پیش بینی است و با توجه به طبیعی بودن امری اجتناب ناپذیر است. این راه حل جدید نگاه فنی به جرم است. بدین ترتیب که به جای حذف معلول (جرم) به تلاش‌های بی سرانجام برای کشف علت وقوع جرم ادامه دهد، به گونه‌ای بر جرم مدیریت کند که فراوانی وقوع آن در محدوده قابل تحمل برای جامعه حفظ شود. در این معنای جدید به جرم صرف نظر از معنای اخلاقی آن نگاه می‌شود که به محض وقوع آن نظام عدالت کیفری با محاسبات آماری در پی مدیریت آن بر آید (Gholami, 2020a).

ب- مفهوم مجرم از منظر کیفرشناسی نوین

به کتب و مقالات دست اول و معتبر و مراجعه به سایت‌های معتبر علمی می‌باشد.

مبانی پژوهش

مفهوم کیفری شناسی نوین

کیفر شناسی نوین شاخه‌ای از علوم جنائی تجربی است که کیفر موضوع اصلی این دانش است. شکل گیری این علم به دوره‌های مکتب کلاسیک و اثباتی باز می‌گردد. در آغاز این علم به بررسی مجازات زندان و شیوه اجرای مفید آن یا همان علم اداره زندان‌ها بوده که با گذر زمان قلمرو این علم گسترش یافت. امروزه دانش کیفرشناسی به کمک علوم دیگر مثل جرم شناسی در زمینه اجرای مجازات شیوه‌های کارآمد و نوینی به حقوق کیفری ارائه داده است. ولی از آنجا که اجرای چنین روش‌های از لحاظ اقتصادی با صرفه نبوده و زمان بر هستند، دولت‌ها از این شیوه استقبال نکردند. امروزه دولت‌ها برای چابک سازی خود رفته رفته از اختیارات خود کاسته و به بخش خصوصی واگذار می‌کنند (Gholami, 2020b). در چنین شرایطی وظیفه اصلی دولت فقط حفظ امنیت شهروندان می‌باشد و جرم به عنوان یک پدیده نامشروع، مزاحم امنیت نشان داده می‌شود. لذا بهترین روش برای مقابله با آن اعمال خشونت یا همان کیفر است. این اعمال مجازات خشن و قاطعانه به جرم به شهروندان نشان خواهد داد که دولت مراقب آن‌ها است. پس با وقوع دگرگونی‌های در زمینه‌های سیاسی و رشد عوام گرایی کیفری، زمینه‌های جرم شناختی و زمینه‌های اقتصادی باعث تغییر و تحول علم کیفر شناسی شده و باعث تولد کیفر شناسی نوین شده است. در این گفتار به مفهوم جرم، مجرم و مجازات از منظر کیفرشناسی نوین پرداخته می‌شود (Braithwaite, 2023).

الف- مفهوم جرم از منظر کیفرشناسی نوین

کیفرشناسی نوین جرم را واقعه کاملاً طبیعی هماننی سیل و زلزله و بیماری می‌داند که وقوع آن اجتناب ناپذیر است. و امنیت اجتماع

از زمان شکل‌گیری جرم‌شناسی علمی تا پیش از ظهور کیفرشناسی نوین در تمامی تحلیل‌های ارائه شده مجرم به عنوان یک شخص مورد بررسی قرار می‌گرفت یعنی نگاه فرد مداری به مجرم می‌شد. در کیفرشناسی نوین این مساله به گونه متفاوت مورد توجه قرار گرفت. یعنی ملاحظیات فردی جای خود را به ملاحظیات اماری گروه‌ها می‌دهد و مجرم به عنوان عضوی از یک زیر مجموعه تلقی می‌شود. چراکه منابع نظام عدالت کیفری محدود بوده و همچنین هزینه‌های برخورد فردی با مجرمان بسیار بالاست. تحقق مدیریت مطلوب مقتضی آن است که مجرمان برحسب میزان خطرناکی به گروه‌هایی تقسیم شده و برای هر گروه اقداماتی متناسب با آن وضعیت انجام گیرد. براساس تحقیقات آماری در جامعه دو گروه مجرم وجود دارد: گروه اول مجرمانی هستند که معیار هی مشارکت، شدت، مدت و تکرار در رفتارهای مجرمانه را در سطوح پایین دارا هستند. این ویژگی باعث شده است این دسته از مجرمان کم خطر نامیده شود. دسته دوم مجرمانی هستند که معیارهای فوق را در سطح بالاتری ارا هستند که به آن‌ها مجرمان پرخطر گفته می‌شود. یعنی افرادی که مرتکب شدیدترین جرایم شده، طولانی‌ترین مدت درگیری در رفتار مجرمانه را دارند و بیشترین تعداد جرایم را مرتکب می‌شوند، و وجود این ویژگی‌ها به فرد عنوان خطرناکی می‌دهد. نتیجه این جداسازی خلق مفهوم (مجرم پر خطر) برای دسته دوم می‌باشد (Schaefer, 2018).

بدین ترتیب کیفرشناسی نوین مفهوم جدیدی را با نام مجرم پرخطر به ویتترین خود افزود. این تولید جدید برخلاف مفاهیم مشابه خود مانند مجرم به عادت و مجرم بالفطره، متضمن معنایی علت‌شناسانه از جرم نیست. در مقابل، این مفهوم پرده‌ای را به تصویر می‌کشد که بازیگران آن گروهی کوچک و قابل تشخیص از مجرمان هستند که کیفرشناسی نوین به دنبال شناسایی و مدیریت آن هاست. مسولیت ارتکاب بیشتر جرایم جامعه به عنوان ویژگی

بارز و جدید این گروه کیفرشناسان را بر آن داشته است که از تمامی امکانات موجود بهره گیرند تا بتوانند این اقلیت خطرناک، اما قابل تمیز را شناسایی کنند. شناسایی و جداسازی مجرمان کم خطر از مجرمان پر خطر موجبات استفاده از تکنیک‌های دارای بیشترین کارایی را در خصوص هر گروه فراهم می‌آورد. امری که به معنای حرکت در مسیر عقلانیت شکلی و روی گردانی از عقلانی ذاتی است. بنابراین کیفرشناسی نوین با گروه بندی مجرمان توانایی خود را برای رسیدن به اهداف مورد نظر نشان می‌دهد. بدین ترتیب که از یک سو با اعمال تکنیک‌های جامعه محور و در عین حال کم هزینه نسبت به مجرمان کم خطر و نیز دارای خطر متوسط که تهدید جدی علیه امنیت اجتماع محسوب نمی‌شوند، از سوی دیگر با اعمال مجزات‌های طولانی مدت نسبت به مجرمان پر خطر که امنیت اجتماع را به شدت به مخاطره می‌اندازند، در منابع و هزینه‌های نظام عدالت کیفری صرفه جویی می‌کنند (Haji Dehabadi & Soleymani, 2017).

پ- مفهوم مجازات از منظر کیفرشناسی نوین ۱- زندان

در کیفرشناسی نوین زندان به عنوان یک نهاد نظارتی و مدیریتی برای انباشت مجرمان پر خطر می‌باشد. اختصاص چنین نقشی به زندان در کیفرشناسی نوین مبتنی بر سیاست ناتوان‌سازی‌گزینی است. به موجب این سیاست مجرمان پر خطر موجوداتی اصلاح ناپذیر و رام‌نشدنی هستند که به قطع و یقین در صورت آزادی به ارتکاب جرم روی می‌آورند. به همین دلیل با اعمال محدودیت فیزیکی که بهترین آن زندان می‌باشد، از سرگیری دوباره فعالیت‌های مجرمانه آنان را برای مدت طولانی به تأخیر می‌اندازد. کیفرشناسی نوین در درون زندان‌ها نیز نظارت مدیریت و تأمین امنیت مدنظر خود را اجراء می‌کند. بدین ترتیب که زندان‌ها را بر اساس سطوح امنیتی درجه بندی می‌کند (Khālqī & Shāh-Cherāgh, 2022).

۲- بازداشت پیش‌گیرانه

خانگی، مراکز گزارش روزانه، مجازات مالی و خدمات عام المنفعه بیش تر گویای مدیریت مدنظر کیفرشناسی نوین می‌باشند (Esfandiari & Javan Jafari, 2020).

رابطه جرایم اقتصادی با جرایم تجاری، عموم و خصوص منوجه است و در پاره‌ای موارد این دو هم‌پوشانی دارند. جرایم تجاری، آن دسته از رفتارهای قابل مجازات را شامل می‌شود که در روابط میان تجار یا مرتبط با فعالیت تجاری صورت می‌گیرد. اگر جرایم تجاری در سطح کلان اقتصادی رخ دهد و اقتصاد ملی را تهدید نماید می‌تواند جرم اقتصادی قلمداد شود. بنابراین می‌توان گفت جرایم تجاری بخشی از جرایم اقتصادی است و نه همه آن. جرایم مربوط به بورس می‌تواند مصداق این‌گونه جرایم باشد که اگر در سطح وسیعی بر بازار بورس تأثیر گذاشته و معاملات بورسی را مختل نماید، تحت عنوان جرم اقتصادی قابل شناسایی است (Haji Dehabadi & Soleymani, 2017).

۱. ویژگی‌ها و آثار جرم اقتصادی

جرم اقتصادی دارای مفهومی گسترده‌تر از جرایم کسب‌وکار است. همین گستردگی موجب شده تا جرایم اقتصادی ویژگی‌هایی به این شرح داشته باشد:

۱- در قالب تجارت و فعالیت‌های حرفه‌ای به طور عمده عاملان به دنبال سود است.

۲- به صورت یک مجموعه یا سیستم منسجم و سازمان‌یافته رفتار می‌کند

۳- باید با استفاده از فعالیت‌های تجاری، صنعتی و فنی، قانونی و حرفه‌ای صورت بگیرد

۴- مرتکبین به‌طور کلی و نه الزاماً از یک موقعیت یا قدرت اجتماعی یا سیاسی یا هر دو برخوردارند.

جرم اقتصادی از نظر بزه‌دیده نیز دارای ویژگی‌های خاص خود است. اگر در جرایم سنتی و عمومی معمولاً بزه‌دیده مستقیم وجود دارد، در جرایم اقتصادی علاوه بر بزه‌دیدگان

از این پس حضور یا عدم حضور متهم که مبنایی برای صدور آزادی و بازداشت‌های پیش از محاکمه تلقی می‌شد، جای خود را به سنجش میزان خطرناکی وی داد که با استفاده از ابزارهای آماری تعیین می‌شد. تفوق امنیت جامعه بر آزادی گروه‌های پرخطر ایجاد می‌نماید که کیفرشناسی نوین متهمان پرخطر را شناسایی و تحت لوای بازداشت پیش‌گیرانه آنان را تا زمان محاکمه از جامعه دور قرار دهد (Haji Dehabadi & Ghaderi Nia, 2021).

۳- نیم رخ سازی

به تصویر کشیدن ویژگی‌های بارز گروه‌های خطرناک ذیل یک عنوان واحد برای توجیه توقیف و بازجویی و تحقیق از افرادی که ظاهراً دارای این ویژگی‌ها می‌باشند، یکی از اقداماتی است که کیفرشناسی نوین به جهت تأمین یکی از دغدغه‌های اصلی خود آن را ایجاد و ترویج کرده است. این نیم رخ‌ها از تغییر شگرف حکایت می‌کنند که در آن کیفرشناسی نوین با نگاهی همه‌جانبه به پدیده‌های عادی، همه چیز را تحت نظر و مدیریت خود قرار می‌دهد. دوربین‌های نظارتی خود را در اماکن عمومی، فرودگاه‌ها، خیابان‌ها، جاده‌ها و... قرار داده تا دیده بانی کنند. در این جا تطبیق ویژگی‌های فرد مظنون با نیم رخ مربوطه نشانگر ارتباط وی با جرمی است که دارندگان آن نیم رخ انجام می‌دهند (Haji Dehabadi & Soleymani, 2022).

۴- مجازات بینابین

هدف از به کارگیری مجازات‌های بینابین افزایش نظارت و کنترل بر مجرمان است. استفاده از ابزارهای نظارتی مانند سیستم‌های الکترونیکی، آزمایش‌های دوره‌ای مواد مخدر و شروط نظارتی مانند ملاقات‌های مکرر با مقامات اعطا کننده این مجازات‌ها و تأییدیه‌های استخدامی، نیل به این هدف را هموار می‌سازد. برخی اقسام مجازات بینابین مانند تعلیق و آزادی مشروط و زندان‌های شوک آور در مقایسه با دیگر مصادیق این مجازات‌ها، مانند حبس

۲. تعریف جرم اقتصادی و مشکلات آن

تعاریف صورت گرفته هرکدام وصف خاصی را مد نظر قرار داده‌اند که به بیان آن‌ها می‌پردازیم.

۱-۲. تعریف مبتنی بر عامل اقتصادی

از جرم اقتصادی تعریف قانونی نشده و در حقوق داخلی پاره‌ای از کشورها، بعضاً تعریف و بعضاً مصادیق بیان شده است. به عنوان مثال، قانون جرایم اقتصادی اردن در ماده ۳ جرایم اقتصادی را این‌گونه تعریف می‌کند: جرایم اقتصادی جرایمی هستند که احکام این قانون و قوانین مشابه نسبت به آن‌ها اجرا می‌شود و به اموال عمومی تعلق دارند و موجب ضرر زدن به بنیان اقتصادی کشور یا اعتماد عمومی نسبت به اقتصاد ملی یا پول ملی یا سهام یا اسناد و اوراق مالی رایج در کشور می‌شوند. این بیش از آنچه تعریف باشد، ضابطه بیان شده است (Fazeh, 2023).

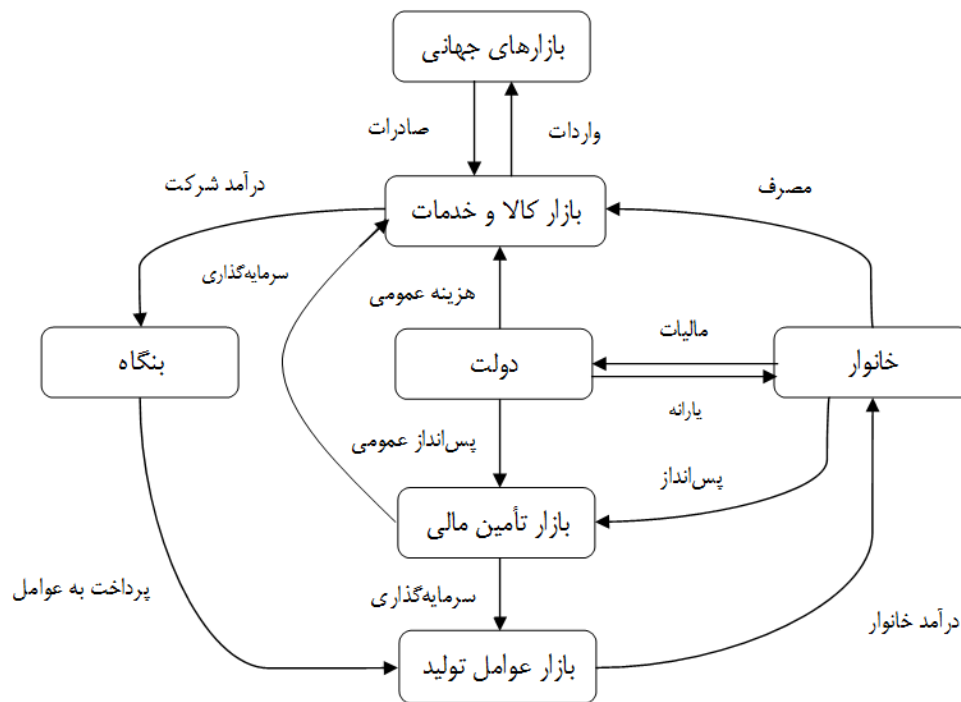
در تعریفی دیگر جرایم اقتصادی عبارت‌اند از: جرایمی که در قوانین مربوط به حمایت از فعالیت‌های اقتصادی آمده است اعم از این‌که در قانون جرایم اقتصادی پیش‌بینی شده باشد یا در قوانین متفرقه‌ای که فعالیت‌های اقتصادی را تنظیم می‌کند. زلاتریک جرم اقتصادی را رفتار اشخاص حقوقی یا حقیقی می‌داند که برای سیاست اجتماعی یا اقتصادی دولت خطری به وجود آورد یا ضرری وارد نماید. به نظر دو تن از حقوقدانان، ژان لوک بچر و نیکلا کلوز، به جرم‌هایی که با هدف دستیابی به یک امتیاز مالی ارتکاب می‌یابند جرم اقتصادی می‌گویند ولی مانع نمی‌شود که با ارتکاب این نوع جرایم، امتیازهای غیرمالی نیز تحصیل شود. رایج‌ترین تعریفی که از جرم اقتصادی صورت گرفته عبارت است از رفتار مجرمانه‌ای که اشخاص حقیقی و حقوقی به انگیزه تحصیل مزایای اقتصادی مرتکب می‌شوند. اما این تعریف با وجود رایج‌بودن، ملاحظاتی دارد. یکی اینکه عبارت اقتصادی در معنای دقیق خود به کار نرفته است. دیگر این‌که با

مستقیم، آثار و پیامدهای این‌گونه جرایم گریبان‌گیر بزه‌دیدگان غیرمستقیم نیز می‌شود. بنابراین باید گفت جرایم اقتصادی موجب اخلال و بی‌ثباتی اقتصادی می‌شود (Haji Dehabadi & Soleymani, 2017).

مجرمان اقتصادی عواید حاصل از جرم را با درآمدهای قانونی مخلوط کرده و با در دست داشتن امکانات مالی، هزینه تولید محصولات خود را کاهش داده و رقبای دیگر را که فعالیت قانونی دارند از صحنه رقابت خارج می‌کنند. هم‌چنین در کشورهای درحال توسعه بر میزان بودجه دولت تأثیر گذاشته در نتیجه منجر به کاهش کنترل دولت بر سیاست‌گذاری‌های اقتصادی می‌شود. بنابراین مجرمان اقتصادی ثروت‌های خود را در جاهایی سرمایه‌گذاری می‌کنند که هم سود بیشتری عایدشان شود و هم امکان فرار قانونی وجود داشته باشد (Ardabili, 2023). قربانیان جرایم اقتصادی نه تنها کسانی هستند که به طور مستقیم از این‌گونه جرایم آسیب می‌بینند مانند اشخاص حقوقی اقتصادی یا دولت، بلکه مردم به‌عنوان مشتریان در موارد دستکاری در قیمت، کیفیت پایین محصولات یا خدمات و حتی محیط‌زیست، به‌طور غیرمستقیم قربانی جرایم اقتصادی هستند و فرار مالیاتی نیز منجر به کسری درآمد دولت شده و با تضعیف دولت در ارائه خدمات، اثر غیرمستقیم بر مردم می‌گذارد (Haji Dehabadi & Ghaderi Nia, 2021). در سطح کلان نیز به‌طور کلی جرایم اقتصادی و مالی تأثیر منفی قابل‌توجهی بر ثبات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی یک کشور می‌گذارد و موجب افزایش هزینه‌های کسب‌وکار، جلوگیری از سرمایه‌گذاری خارجی و داخلی، کاهش اعتماد عمومی به حاکمیت، افزایش فقر و بیکاری، تجمع قدرت اقتصادی و مالی در دست مجرمان و به دنبال آن، تضعیف اقتصاد ملی و سیستم‌های دموکراسی می‌شود (Rostami, 2016).

اقتصادی را جرمی دانسته که مربوط به چرخه تولید، توزیع و مصرف است و چون گردش این سه فرایند اقتصادی به وسیله پول صورت می‌گیرد و عنصر اصلی مبادله در اقتصاد هم پول است لذا در نهایت منجر به اخلال در نظام اقتصادی می‌شود (Rostami, 2016). ناهمسانی تعاریف صورت گرفته از جرم اقتصادی به متفاوت بودن نظام‌های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، آموزه‌های دینی و شرایط خاص زمانی و موقعیت‌های جغرافیایی کشورها نیز برمی‌گردد. در پاره‌ای از کشورها که نظام اقتصادی متمرکز حاکم است و رقابت آزاد وجود ندارد، جرم اقتصادی دامنه وسیعی دارد و برعکس در نظام‌های اقتصادی غیرمتمرکز که رقابت، آزاد شناخته شده است دامنه این‌گونه جرایم بسیار محدود است و به همین خاطر عقیده برخی بر این است که در نظام‌های غیرمتمرکز، حقوق جزای اقتصادی وجود ندارد چرا که سیاست‌های اقتصادی در دست حاکمیت نیست بلکه خود بازار تعدیل کننده و تنظیم کننده مکانیزم بازار است و از طرف دیگر چون سیاست‌های کیفری از طرف دولت تعیین و اعمال می‌شود به علت فقدان رابطه میان بازار و دولت، شناخت جرم اقتصادی متفی است. دامنه این‌گونه جرایم در نظام اقتصادی لیبرال محدود است و حقوق کیفری به لحاظ دغدغه حمایت از سرمایه و جلوگیری از رعب و وحشت و فرار سرمایه‌گذاران، جرایم اقتصادی ناچیزی را از نظر کمی پیش‌بینی کرده است (Haji Dehabadi & Ghaderi Nia, 2021). از طرفی اوضاع و احوال یا شرایط خاص زمانی حاکم بر کشورها مانند جنگ یا بحران‌های مالی می‌تواند سیاست کیفری را تحت تأثیر قرار دهد و عملی که در شرایط عادی جرم تلقی نمی‌شود در این شرایط جرم اقتصادی محسوب شود. بنابراین وجو تفاوت‌ها در شرایط اقتصادی و ساختار نظام‌های مختلف اقتصادی مانع اجماع در ارائه

قبول چنین تعریفی از جرم اقتصادی، جرایم زیادی مانند کلاهبرداری، سرقت، اختلاس، ارتشا و... در این محدوده قرار خواهد گرفت درحالی‌که این‌گونه جرایم در چارچوب شناخته شده دیگری قرار دارد. به علاوه، جرایمی که اصولاً خارج از حوزه جرایم مالی است مانند آدم‌کشی و قتل عمد با وجود انگیزه مالی ممکن است در این حوزه قرار بگیرد (Haji Dehabadi & Ghaderi Nia, 2021). به نظر ادوین ساترلند، مجرمان اقتصادی - که در نظر وی بیشتر مجرمان یقه سفید نامیده شده‌اند - نخبگان اقتصادی هستند که واجد احترام و جایگاه اجتماعی بالایی بوده و در اجرای یک فعالیت حرفه‌ای دست به فعالیت غیرقانونی می‌زنند. ایرادی که به تعریف ساترلند وارد شده این است که به انگیزه کسب مال یا کسب امتیاز غیرقانونی برای مرتکب یا سازمان متبوع وی در انجام فعالیت مجرمانه تصریح نشده است. به علاوه جرم‌شناسان در مطالعات خود بر مجرم و مرتکب جرم تأکید دارند و به شناسایی جرم چندان توجهی ندارند. ایراد دیگر تعریف ساترلند، تأکید بر ارتکاب عمل غیرقانونی در قالب فعالیت حرفه‌ای است درحالی‌که جرایم اقتصادی ممکن است خارج از چارچوب فعالیت حرفه‌ای نیز ارتکاب یابد. در معرفی جرایم یقه سفیدی به عامل یا مرتکب جرم توجه می‌شود ولی جرایم اقتصادی را به اعتبار حوزه اقتصاد بررسی می‌کنند. لذا به نظر می‌رسد جرایم یقه سفیدان با جرایم اقتصادی هم‌پوشانی کامل نداشته باشد. از دیدگاه بچر حقوقدان سویسی، جرم اقتصادی مجموعه‌ای از جرایم علیه اموال است که بدون خشونت ولی همراه با تزویر و فریب یا سوءاستفاده از موقعیت، قدرت یا قدرت نفوذ و تأثیرگذاری یا با انگیزه کسب منفعت ارتکاب می‌یابد. با این وصف جرایم اقتصادی فراتر از جرایم یقه سفیدان است زیرا جرم اقتصادی جرایم ارتکابی خارج از چارچوب فعالیت حرفه‌ای مبتنی بر تزویر را هم در بر می‌گیرد (Haji Dehabadi & Ghaderi Nia, 2021). دیوان عالی کشور فرانسه در یک رأی جرم



الگوی نظام اقتصادی مختلط

شکل ۱. الگوی نظام اقتصادی مختلط

است که در سال ۲۰۰۰ میلادی تحت عنوان کنوانسیون مبارزه علیه جرایم سازمان‌یافته فراملی با هدف مبارزه با جرایم سازمان‌یافته است که بخشی از این جرایم دارای ماهیت اقتصادی است، در شهر پالمو در ایتالیا به تصویب ۴۰ دولت رسیده و در سال ۲۰۰۳ نیز لازم‌الاجرا شده است و دیگری کنوانسیون مریدا است که در سال ۲۰۰۳ میلادی با موضوع و هدف مبارزه با مفاسد اداری و مالی در شهر مریدا در مکزیک به تصویب رسید که برخلاف کنوانسیون پالمو، به طور مستقیم به برخی از مصادیق جرایم اقتصادی در مواد ۱۵، ۲۰، ۲۲، ۲۳ و ... پرداخته است. به‌علاوه کنوانسیون‌های منطقه‌ای نیز در زمینه جرایم اقتصادی به تصویب رسیده است که از این میان می‌توان به کنوانسیون OECD^۱ سازمان همکاری و توسعه اقتصادی، کنوانسیون حقوق مدنی شورای اروپا مصوب ۱۹۹۹ با موضوع مبارزه با فساد مالی، کنوانسیون مبارزه با فساد مالی

ماهیت جرایم اقتصادی به گونه‌ای است که همیشه در محدوده مرزهای داخلی محصور نیست. توسعه‌های اخیر در علم و فناوری به‌ویژه در زمینه رایانه و فناوری اطلاعات، ابعاد تازه‌ای به این جرایم داده است. امروزه با توسعه ارتباطات و مبادلات اقتصادی و جهانی شدن بازارهای مالی، دیگر نمی‌توان با توجه به شرایط داخلی جرم اقتصادی را تعریف نمود بلکه پیوندهای اقتصادی بازارهای مالی میان کشورها و بازارهای منطقه‌ای و بحران‌های اقتصادی که به‌صورت فراگیر، کل منطقه و حتی جهان را تحت تأثیر قرار می‌دهد، موجب شده تا سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای رفتارهای مخمل نظم اقتصادی را تحت عنوان جرایم اقتصادی و فساد مورد بررسی قرار داده و مقرراتی در جهت مبارزه با این‌گونه جرایم وضع نمایند. از اقدامات سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای در جهت سیاست‌های مقابله با جرایم اقتصادی، یکی کنوانسیون پالمو

برخی دیگر، جرایم اقتصادی را به دو دسته عمده و تحت عناوین خاص تقسیم نموده‌اند؛ دسته اول جرایمی است که توسط تجار و بازرگانان ارتکاب می‌یابد و برای کسب منافع و عایدات مادی صورت می‌گیرد مانند خودداری از پرداخت مالیات که به آن‌ها جرایم یقه‌سفیدی گفته می‌شود. دسته دوم جرایمی است که منجر به تحصیل نامشروع کالا و خدمات یا تحصیل کالا و خدمات به روش نامشروع می‌شود که به جرایم سازمان‌یافته مشهور است. در هر دو نوع جرم، عمل غیرفیزیکی برای به دست آوردن سود مالی یا منفعت شغلی انجام می‌گیرد (Rostami, 2016).

۳-۳. تعریف مبتنی بر انگیزه مرتکب

برخی تعاریف از جرم اقتصادی معطوف به انگیزه مرتکبین این‌گونه جرایم ارائه شده‌است: بر این اساس، جرم اقتصادی جرمی است که با انگیزه مادی و با ماهیت فعالیت‌های اقتصادی یعنی فعالیت‌های مالی و پولی، دادوستد داخلی و خارجی، استفاده از منابع بدون مجوز، رشوه ستانی، کمیسیون‌گیری و اعطای تسهیلات غیرقانونی به نفع خود یا دیگران صورت می‌گیرد و برخی دیگر از تعاریف، کسب امتیاز مادی را مدنظر قرار داده‌اند. بر این اساس مجرمان کلان اقتصادی افرادی هستند که برای دستیابی به اهداف نامشروع خود از رانت‌های سیاسی و اقتصادی ناشی از برقراری روابط با صاحب‌منصبان و افراد بانفوذ در دستگاه‌های متولی منابع اقتصادی بهره‌گیری نموده و موجب ایجاد انحراف در منابع اقتصادی می‌شوند (Haji Dehabadi & Soleymani, 2022).

از مطالب فوق به‌وضوح برمی‌آید که تعریف واحدی از جرم اقتصادی توسط قانونگذاران و حقوقدانان صورت نگرفته و در حقوق داخلی هم اجماعی راجع به تعریف جرم اقتصادی وجود ندارد و به‌طور قطع و یقین هم نمی‌توان تعریفی ارائه نمود که جامع و مانع باشد. شاید بهتر این باشد تا به جای ارائه تعریف از جرم اقتصادی، معیارها و ضوابط این‌گونه جرایم بررسی

کارمندان جوامع اروپایی مصوب ۱۹۹۷، کنوانسیون جرایم سایبر و کنوانسیون اتحادیه آفریقایی برای پیشگیری و مبارزه با فساد مالی مصوب ۲۰۰۳ اشاره کرد. فقدان اجماع در ارائه تعریف واحد برای جرایم اقتصادی و ظهور و بروز جرایم پیچیده بر مشکلات شناخت این‌گونه جرایم افزوده‌است. کمیته وزیران شورای اروپا نیز در سال ۱۹۸۱ به جای ارائه تعریف از جرم اقتصادی، مصادیقی از این‌گونه جرایم را در دسته‌هایی قرارداده است. جرایم علیه محیط‌زیست، جرایم رایانه‌ای، جرایم مالیاتی و گمرکی، جرایم علیه حقوق مصرف‌کننده و... جزو دسته‌بندی‌های صورت‌گرفته است (Khālqī & Shāh, 2022).

معمولاً وقتی از جرم اقتصادی سخن گفته می‌شود بلافاصله نظرها به جرایم فساد مالی و سازمان‌یافته معطوف می‌شود درحالی‌که همه جرایم فساد مالی، جرم اقتصادی نیستند. اگرچه در اکثر موارد نتایج و عواقب جرایم فساد مالی و جرایم اقتصادی یکسان‌اند. به‌علاوه ممکن است یک عمل مجرمانه، هم فساد مالی باشد و هم جرم اقتصادی محسوب شود. به‌علاوه همان مشکل تعریف در شناسایی جرایم فساد مالی نیز وجود دارد. فساد ذاتاً یک جرم اقتصادی محسوب نمی‌شود چرا که همیشه با انگیزه مالی و اقتصادی همراه نیست هرچند تبعاتی بر اقتصاد و سرمایه‌گذاری و امنیت اقتصادی داشته باشد. باوجود این، فساد مالی و جرم اقتصادی هم‌پوشانی دارند و بر همین اساس برخی جرایم اقتصادی را نتیجه رفتارهای فسادانگیز دانسته‌اند. جرایم اقتصادی به طور کلی به دو دسته تقسیم شده‌اند: اعمال غیرقانونی کسانی که به منظور تحصیل پول برای خودشان مرتکب می‌شوند و اعمال غیرقانونی کسانی که اساساً برای دستیابی به اهداف شرکت خود یا سازمان‌های دیگر مرتکب می‌شوند (Kāzemi, 2022).

۲-۲. تعریف مبتنی بر نوع فعالیت

شود. این دیدگاه با توجه به رشد روزافزون فناوری و پیدایش جرایم جدید در عرصه اقتصادی، از اهمیت بیشتری برخوردار است. مسلماً با ارائه تعریف از هر چیزی، مفاهیم و مصادیق آن محصور شده و پدیده‌های مستحدث از شمول آن بیرون خواهند ماند لذا به‌طور کلی دو ضابطه برای شناسایی جرایم اقتصادی، یکی جرم شناختی و دیگری اقتصادی مورد بررسی قرار خواهد گرفت. در کنار این دو معیار، به ضابطه مبتنی بر نظریات اقتصادی نیز اشاره خواهد شد (Gholami, 2020b). ابتدا معیار جرم شناختی را و سپس ضابطه مبتنی بر نظریات اقتصادی بررسی می‌شود و در قسمت سوم، معیار اقتصادی مورد بحث قرار خواهد گرفت (Haji Dehabadi & Soleymani, 2022).

۳. ضابطه‌های مورد بررسی

۳-۱. ضابطه‌های جرم‌شناختی

جرایم اقتصادی در کنار واژگانی چون فساد و جرایم سازمان‌یافته از علوم سیاسی و اقتصادی به جرم‌شناسی راه یافته‌اند و چون جرم‌شناسی اساساً در پی بررسی علل وقوع جرم و نحوه شناسایی مجرمان و پیشگیری از این قبیل جرایم است، چندان در بند شناسایی دقیق جرایم اقتصادی و تفکیک صحیح این اصطلاح از عناوین مشابه نیست درحالی‌که در حقوق کیفری، اصل قانونی بودن اقتضا دارد تا واژگان کلیدی به‌طور دقیق از هم تفکیک شوند. از دیدگاه جرم‌شناسی در تبیین جرم اقتصادی نظریاتی رایج شده است. قبل از بیان نظریه‌ها به نظریه عمومی تزویر که خاص حوزه جرایم اقتصادی است پرداخته می‌شود (Haji Dehabadi & Soleymani, 2021). تفکرات جرم شناختی در مورد جرایم تجاری (کسب‌وکار) و به طور کلی جرایم اقتصادی بر این امر تأکید دارند که اینگونه جرایم دربردارنده نوعی تزویر است. جرایم مبتنی بر تزویر در بستر فعالیت‌های اقتصادی و با هدف خارج کردن قانونی پول از جریان مالی و

اقتصادی یا طفره رفتن از تعهدات قانونی ارتکاب می‌یابد. جرایم تزویرآمیز جرایمی است که با توسل به کذب، اختفا و پنهان‌سازی و توطئه ارتکاب می‌یابد یعنی اعمالی که موضوع آن برهم زدن موازنه توانایی و قابلیت‌های گروه‌های مختلف در یک رقابت تجاری باشد مانند جرم سوءاستفاده از اطلاعات نهانی در بازار بورس اوراق بهادار یا جایگزین کردن یک نتیجه از پیش تعیین شده به نفع یک شخص یا گروهی از افراد مانند تقلب انتخاباتی. تزویر در ارتکاب جرایم حوزه کسب و کار، امور بازرگانی و اقتصادی به سه دسته تقسیم می‌شود: ۱- عدم صداقت در فعالیت‌های تجاری مانند کلاهبرداری، خیانت در امانت، تبلیغات خلاف واقع، تقلب در فروش، دستکاری در قیمت بازار، قیمت‌گذاری تهاجمی، تبانی، سوءاستفاده از موقعیت برتر، امتناع از فروش و ... ۲- نقض مقررات رقابت آزاد مانند: اخلاف در آزادی حراج و مزایده، ایجاد قیمت‌های کاذب و رقابت مکارانه ۳- نقض قوانین و مقررات اقتصادی و اجتماعی و مالیاتی مانند کم‌فروشی، گران‌فروشی، احتکار، فعالیت‌های زیرزمینی، تقلب مالیاتی، تقلب گمرکی و فروش بدون فاکتور. بسترهای ارتکاب جرایم تزویرآمیز، ساختارها و ابزارهای فعالیت‌های اقتصادی مشروع مانند بخش‌های مالی، حوزه رقابت، بودجه، مصرف، مبادلات تجاری و ... است. این بسترها شرایط را برای سوءاستفاده مرتکبان از موقعیت خود فراهم می‌نماید. ادل هرز در یک تقسیم‌بندی جرم‌شناختی، جرایم مبتنی بر تزویر و تقلب را به سه دسته تقسیم می‌نماید: ۱- جرایم ارتكابی اشخاص حقیقی مانند تقلب مالیاتی و تقلب نسبت به بیمه ۲- جرایم ارتكابی کارکنان شرکت تجاری علیه شرکت مانند خیانت در امانت، رشا و ارتشا ۳- جرایم ارتكابی اشخاص حقوقی (شرکت‌ها) که این‌ها نیز خود به دو گروه تقسیم می‌شوند؛ دسته اول اقداماتی است که به‌صورت اتفاقی برخلاف قانون صورت می‌گیرد و دسته دوم اقدامات غیرقانونی مانند تأسیس شرکت صورتی برای

موفقیت آن‌ها مادیات است. ولی در جوامع بسته که اقتصاد دولتی حاکم است برعکس، با نوعی فساد دولتی مواجه هستیم به علاوه در پاره‌ای جرایم که به صورت تشکیلاتی و منسجم و از طریق شبکه‌های بین‌المللی ارتکاب می‌یابد این نظریه کارساز نیست. به عبارت دیگر در بستر فعالیت‌های اقتصادی بین‌المللی، افراد به صورت سازمان‌یافته و با همکاری مشترک در پی مقاصد مادی خود هستند درحالی‌که شرایط حاکم بر جامعه متنوع و متفاوت آنان یکسان نیست لذا نمی‌توان گفت در یک جامعه نابرابر تحت فشار قرار گرفته‌اند (Gholami, 2020b).

ب. نظریه محیط و شرایط اقتصادی

معیارهای جامعه‌شناختی و محیطی، بر این اساس استوار است که جرایم اقتصادی تحت تأثیر اوضاع اجتماعی و نظام اقتصادی حاکم ارتکاب می‌یابد. نظام‌های دارای اقتصاد آزاد و سرمایه‌داری و شرایط رقابت برای کسب سود و منفعت بیشتر، زمینه را برای برخی جرایم در این حوزه فراهم می‌کند. عواملی مانند بده بستان‌های سیاسی در جریان دستیابی مقامات به مناصب کلان در جامعه و چشم و هم‌چشمی‌ها میان فعالان اقتصادی، خلأهای قانونی در برخورد با اینگونه جرایم را ایجاد می‌کند که در محاکم نیز به وضوح دیده می‌شود. وابستگی بسیاری از احزاب سیاسی به افراد سودجو و منفعت‌طلب که گاه رفتارهایی مانند فساد مالی و ارتشا و تقلب مالیاتی و غیره را در پی دارد باعث می‌شود تا ملاحظه‌کاری شود و در مبارزه با این‌گونه جرایم جدیت به خرج ندهند. به علاوه جرایم اقتصادی در خفا صورت می‌گیرند و کشف نمی‌شود و در نتیجه به مرور زمان مغفول مانده و در نظر مرتکبین جنبه مشروعیت پیدا می‌کند (Schaefer, 2018). در مقابل، نظام‌های متکی بر اقتصاد دولتی نیز انواع دیگری از جرایم اقتصادی مانند فساد مالی را در پی دارد، جرایمی مانند اختلاس، ارتشا، حیف و میل اموال عمومی و

پولشویی یا صدور فاکتورهای جعلی برای اخذ وام است که به جای فعالیت اصلی شرکت انجام می‌شود. با این اوصاف می‌توان گفت که اوضاع و احوال اقتصادی، نوع نظام اقتصادی و فرهنگی، بیکاری و خلأ قانونی و عدم شفافیت قوانین و مقررات اقتصادی به عنوان عواملی وضعی و فرصت‌ساز در ارتکاب این‌گونه جرایم نقش دارد (Haji Dehabadi & Ghaderi Nia, 2021).

الف. نظریه آنومی

مرتون، آنومی، یا بی‌هنجاری را قایل شدن اهمیت بیش از حد برای دستیابی به موفقیت می‌داند حتی اگر نیل به آن مستلزم نقض قوانین و مقررات باشد. بر پایه مقاله مشهوری که وی به همراه کلو وارد و اوهلین تحت عنوان ساختار اجتماعی، بی‌هنجاری و کج‌روی در ایالات متحده آمریکا بررسی کردند دریافتند که عموماً افراد جامعه آمریکایی به هنگام جمع‌آوری ثروت و تحصیل پول، خود را ملزم به رعایت قواعد نمی‌بینند و برای قوانین موجود اهمیتی قایل نیستند. تنها موضوع حایز اهمیت برای آنان، تلاش و رقابت برای کسب پول و ثروت است و بر پایه همین هدف، تمامی ابزارهای رسیدن به آن موجه تلقی می‌شوند. بنابراین مهم‌ترین چیز، کارآمدی روش‌های استفاده است و رعایت قوانین و مقررات در درجه دوم قرار دارد. این وضعیت ناشی از فشاری است که جامعه بر افراد وارد می‌کند و به دلیل قرار گرفتن افراد جامعه در یک موقعیت نابرابر استفاده از طرق مشروع، افراد ناچار از راه‌های نامشروع وارد می‌شوند. راهکار ارائه‌شده توسط مرتون برای جلوگیری از جرایم اقتصادی این است که زمینه فعالیت اقتصادی مشروع برای اقشار جامعه فراهم شود تا افراد نیز متوسل به راه‌های نامشروع نشوند چرا که هیچ فرد شرافتمندی حاضر به قبول برچسب مجرمانه نمی‌شود (Saburi Pour, 2016). ایرادی که به نظریه آنومی وارد شده این است که این نظریه در مورد همه جوامع صدق نمی‌کند و خاص جوامع صنعتی و سرمایه‌داری است که نماد

غیره در اینگونه نظام‌های اقتصادی چهره‌ای پررنگ‌تر دارد. به عقیده ساترلند محیط تجاری و کسب‌وکار سبب پیدایش خرده‌فرهنگ حرف‌های خاصی می‌شود که اشخاص تصور می‌کنند برای ایجاد موقعیت برتر و تثبیت آن در بازار و تجارت، چاره‌ای جز انجام پاره‌ای اقدامات نامشروع و غیرقانونی مانند دست‌کاری در حساب‌ها وجود ندارد (Haji Dehabadi & Ghaderi Nia, 2021).

کسانی مانند گایس معتقدند در کنار محیط اجتماعی به محیط قوانین و مقررات نیز باید توجه نمود و فعالان اقتصادی باید در تعاملات تجاری داخلی و خارجی خود قوانین و مقررات را رعایت کنند. به عقیده وی، جرایم اقتصادی از جهات گوناگون با جرایم عادی فرق دارد زیرا احراز رابطه علیت میان جرم اقتصادی و خسارت در بیشتر موارد دشوار است و اثر جرم نیز فوری نیست و دایره بزه‌دیدگان نیز افراد معین و محدودی نیستند. همه این عوامل باعث می‌شود تا مجرمان اقتصادی بر ارتکاب جرایم خود اصرار بورزند و حاشیه امنیت برای خود احساس نمایند. از دلایل ارتکاب جرم از دیدگاه محیط اقتصادی می‌توان به استفاده ناخواسته قدرت‌های بزرگ از شرکت‌ها و صاحبان سرمایه، اغماض حاکمیت با جرایم فعالان اقتصادی به دلیل ارتباط میان آن‌ها، عدم شفافیت محیط اقتصادی و ممانعت از بروز حساسیت افکار عمومی و احتمالاً تقبیح عمومی و پیچیدگی این‌گونه جرایم و نیاز به تخصص‌های ویژه فنی که مانع نمود بیرونی کنترل جرایم می‌شود اشاره کرد (Kāzemi, 2022).

ج. نظریه روانشناختی

این نظریه به نظریه شخصیت جنایی پیناتل مشهور است. به نظر پیناتل، نه تنها میان مجرم و غیرمجرم اختلاف درجه وجود دارد بلکه میان خود مجرمان نیز این تفاوت هست. اختلافات اساسی مربوط به خصوصیات روانی فرد است که او را وادار به

ارتکاب جرم می‌نماید و همین خصوصیات روانی هسته مرکزی شخصیت جنایی آنان را تشکیل می‌دهد. به اعتقاد وی، خصلت‌های روانی خودخواهی، بی‌ثباتی، خشونت و فقدان عاطفه در هر انسانی کم‌وبیش وجود دارد و شدت و ضعف این خصلت‌ها و فزونی یکی بر دیگری یا تجمع آن‌ها باعث بروز رفتار مجرمانه می‌شود. اینکه فرد منافع خود را بر دیگران ترجیح می‌دهد نتیجه خودخواهی اوست. بی‌ثباتی موجب بی‌تفاوتی فرد نسبت به نتایج رفتار او می‌شود. خشونت او را وادار می‌کند در مقابل مقاومت دیگران، دست به خشونت بزند و بی‌عاطفگی موجب زایل شدن ترحم و مهربانی در او می‌شود. بنابر این نظریه، مجرم اقتصادی با دیدن افراد متمول احساس حقارت می‌کند و برای دست‌یابی به جایگاه آنان، قوانین را نادیده می‌گیرد. خودخواهی فرد باعث فزون‌خواهی او می‌شود و موجب تحریک او برای رسیدن به جایگاه بالای اقتصادی و یافتن موقعیت برتر در میان جامعه و هم‌نوعان می‌شود. تحریک یک یا چند خصلت از این خصلت‌های روانی ممکن است موجب نفوذ در میان مقامات دولتی شده و پدیده مجرمانه فساد مالی را سبب شود یا اینکه انگیزه‌ای برای کسب منفعت یا امتیاز مادی برای کارکنان و مدیران یک شرکت تجاری باشد (Fazeh, 2023).

نظریه شخصیت جنایی پیناتل صرفاً به شخصیت مجرم می‌پردازد. پیچیدگی و تخصصی بودن رفتار مجرمان اقتصادی موجب می‌شود که پس از ارتکاب جرم، نه تنها از سرزنش عمومی جامعه ترسی نداشته باشند بلکه از درون به زرنگی و مهارت خود افتخار کنند. جامعه نیز قبح عمل وی را به خوبی درک نمی‌کند و چه‌بسا برخی هوش و ذکاوت او را تحسین نمایند. این احساس مرتکب می‌تواند ناشی از خصلت‌های شخصیتی خودخواهی یا بی‌ثباتی و فقدان عاطفه در او باشد. مرگ نیز شخصیت مجرمین یقه‌سفید را با ویژگی‌های خود

چندملیتی و اسناد بین‌المللی که زمینه سوءاستفاده‌های بین‌المللی را فراهم می‌کند (Haji Dehabadi & Ghaderi Nia, 2021).

۲) **موضوع و ابزار مورد استفاده:** وجه تمایز جرایم اقتصادی از جرایم دیگر در ابزارها و زمینه‌هایی است که مربوط به فعالیت‌های اقتصادی می‌شود. بر این اساس جرم اقتصادی رفتاری است که در دو قالب قراردادهای اقتصادی و ساختار شرکت‌ها واقع می‌شود. بنابراین جرم اقتصادی نه تنها چارچوب فعالیت حقوقی شرکت‌های تجاری را در بر می‌گیرد بلکه نقض همه سیستم‌های قانونی و مقررات مربوط به اقتصاد را هم شامل می‌شود.

۳) **ویژگی عمل:** ساترلند در شناسایی مجرمان یقه‌سفید که از دید وی همان مجرمان اقتصادی‌اند، ویژگی عمل ارتكابی آنان را معیاری برای تمایز جرم اقتصادی از دیگر جرایم معرفی می‌کند. عمل ارتكابی باید اعتماد را سلب نماید و انگیزه تحصیل سود، تابعی از ویژگی‌های شخصیتی مرتکب است. در نتیجه رفتاری که در یک شرکت تجاری و به‌صورت سازمانی صورت می‌گیرد به‌خودی‌خود قابل مجازات نیست ولی می‌تواند مبنایی برای جرم شناختن آن رفتار قرار گیرد.

قراردادن جرایم اقتصادی در یک طبقه مفید نخواهد بود و بهتر است به جای رویکرد جامعه‌شناختی از رویکرد اقتصادی استفاده شود و ماهیت رفتارهای مجرمانه را در ویژگی و بستر ارتكاب آن‌ها سنجید. مثلاً اینکه فعل مجرمانه در مبادلات اقتصادی محقق شده یا نه یا اینکه استفاده از زور، کاربرد داشته یا توسل به خدعه و نیرنگ؟ بنابراین، طبقه‌بندی صحیح باید به‌جای جرم محوری، موضوع‌محوری باشد.

۴) **آثار و نتایج:** با استفاده از این رویکرد، جرمی اقتصادی محسوب می‌شود که منجر به آسیب به اقتصاد یا یک سیستم اقتصادی شود و لزومی ندارد که در یک بخش تجاری اتفاق افتاده باشد بلکه با انگیزه کسب سود و در هر جای جامعه

محوربودن، ریا کاری، فقدان دغدغه خاطر و عذاب وجدان، عطش قدرت، از خود راضی‌بودن، کتمان‌کاری و پنهان‌سازی جنبه‌های مجرمانه فعالیت شرکت‌ها یا توجیه اعمال مجرمانه با استدلال‌های شبه‌حقوقی توصیف می‌کند (Gholami, 2020b).

د. نظریه مختلط

در این نظریه معیارهای شناسایی جرایم اقتصادی از اجتماع چند عامل به وجود می‌آید که ذیلاً به این عوامل اشاره می‌شود:

۱) **انگیزه مرتکب:** انگیزه مرتکب نقش اصلی در شناخت جرم اقتصادی دارد و آن کسب سود و منفعت اقتصادی است. این معیار جنبه شخصیتی مجرمین را برجسته می‌کند. پروفیسور استینار استرم متخصص علوم اقتصادی از طرفداران این نظریه است. به نظر وی، اعمالی مانند قماربازی، سرقت و فحشا نیز جرم اقتصادی محسوب می‌شود. وی حتی جرم قتل را در صورتی که به‌خاطر پرداخت اجرت صورت گیرد جرم اقتصادی می‌داند. از نظر فونتان سه عامل روانی و فردی مثل عدم پختگی اقتصادی یا گذشته ناموفق اجتماعی مانند قضاوت دیگران و محیط پیرامون، بخشی از شخصیت افراد را تشکیل می‌دهد و فرد تلاش می‌کند از هر طریق ممکن ثروت‌اندوزی کند. او عامل مادی مانند جنون کسب پول و مادیات را مؤثر در انگیزه مرتکب می‌داند. بائر بر واکنش اجتماعی نسبت به جرایم تکیه دارد و ضمانت‌اجراهای جرایم اقتصادی را مورد بررسی قرار می‌دهد که شامل این موارد است:

۱- ضعف مبارزه با جرم اقتصادی یا سبک‌بودن ضمانت‌اجراها ۲- ارتباط محافل سیاسی با محافل قدرت و سیاست و تأثیرپذیری آنها در تدوین لوایح و توقعاتی که از مسئولین دارند ۳- موقعیت اجتماعی اعتمادساز بزه‌کاران ۴- فناوری که سهولت ارتكاب این جرایم توسط افراد صاحب فن را سبب شده است ۵- جهانی‌شدن اقتصاد در قالب شرکت‌های

که روی دهد جرم اقتصادی محسوب می‌شود. لذا می‌توان گفت که جرم اقتصادی با سیاست اقتصادی که کل نظام اقتصادی را تنظیم می‌کند در ارتباط است و در پی حمایت از مالکیت خصوصی نیست.

۵) مرتکب: جرایم اقتصادی به وسیله نوع خاصی از اشخاص ارتکاب می‌یابد که دارای موقعیت اجتماعی برتر هستند. به عقیده ساترلند، مجرم یقه‌سفید، تاجر یا شخص قابل احترامی در جامعه است که دست به چنین اعمالی می‌زند. در این نظر، جایگاه اجتماعی و اقتصادی مجرم بیش از هر چیزی مورد توجه قرار گرفته است. به علاوه کسانی مانند کوراکیس و فونتان و دلماس مارتی نیز به دخالت عوامل متعدد در ارتکاب جرم اعتقاد دارند. به نظر کوراکیس عوامل تاریخی شامل جمعیت، شهرسازی و توسعه صنعتی، عوامل محیطی شامل جامعه و فناوری‌های جدید و شخصیت بزهکار (هوش و ذکاوت اینگونه مجرمان) در ارتکاب جرم مؤثرند. به نظر فونتان، همه بزهکاران اقتصادی گناهکار نیستند بلکه برخی از آنها برای جلوگیری از بحران‌ها و تشدید وضعیت نابسامان اقتصادی خود مرتکب اعمالی می‌شوند که جرم محسوب می‌شود اما انگیزه سوء ندارند. ولی گروه دیگر که به انگیزه کسب درآمد و مال‌اندوزی مرتکب جرم می‌شوند، باید به انگیزه مجرمانه آنان توجه شود و میان این دو دسته تفاوت قائل شد. به طور کلی در نظریه مختلط، عوامل اجتماعی و فردی شامل محیط اقتصادی و مالی از یک سو و عوامل روانی و شخصی (موقعیت مرتکب) از سوی دیگر، در ارتکاب جرایم اقتصادی نقش اساسی دارند. نظریات یادشده (جرم شناختی) اولاً، ضمن اینکه هر یک تبیین خاصی از بزهکاری اقتصادی ارائه می‌دهد در عین حال هریک به نحوی ضابطه‌ای را برای این نوع بزهکاری تعیین می‌کند که در پرتو این ضوابط، از بزهکاری عادی و غالباً مربوط به طبقات پایین دست جامعه متمایز و تفکیک می‌شود به نحوی که برخی از این ضابطه‌ها مبتنی است بر انگیزه (نظریه آنومی)، برخی بر

شخصیت ویژه مجرم اقتصادی (نظریه پیناتل)، برخی بر شیوه ارتکاب جرم (نظریه عمومی تزویر) و برخی بر اوضاع و احوال اقتصادی، اجتماعی و حقوقی (نظریه محیط و شرایط اقتصادی) مبتنی است. ثانیاً در ارزیابی این نظریات لازم به ذکر است که موضوع این مقاله، شناسایی ضابطه برای جرم اقتصادی است در حالی که نظریات یادشده تلاش می‌کند بزهکاری اقتصادی را از بزهکاری غیراقتصادی متمایز نماید (Haji Dehabadi & Ghaderi Nia, 2021).

۲-۳. ضابطه‌های مبتنی بر نظریات اقتصادی (واقعیت اقتصادی) منظور از چنین معیارهایی، معیارهای اقتصادی جرم نیست بلکه دیدگاه کسانی است که با تحلیل‌های اقتصادی رفتار مجرمانه را ارزیابی و دسته‌بندی می‌کنند. ارائه‌کنندگان این نظریات، گری بکر، سیمپسون، جان فون نیومن، مک کارتی، لاب و لورانس بودند که هر کدام در دفاع از نظریات خود و نقد دیگر نظریه‌ها دلایلی ارائه کرده‌اند. نظریات و معیارهای شناخت جرم اقتصادی عبارت‌اند از: الف. معیار محرک‌های مرتکب ب. معیار عواید اقتصادی ج. معیار فرآیندهای اقتصادی اینک شرح هر کدام از این معیارها:

الف. معیار محرک‌ها (انگیزه‌ها)ی مرتکب

این نظریه، جرم اقتصادی را رفتار غیرقانونی می‌داند که انگیزه اصلی مرتکب، کسب منفعت و تحصیل سود یا امتیاز اقتصادی است. جرایمی چون تقلب مالیاتی، تقلب گمرکی، فساد مالی و قاچاق کالا و ارز در پرتو این نظریه در گروه جرایم اقتصادی جا می‌گیرند. رسیدن به خواسته‌ها و امتیازات مالی و اقتصادی به قیمت نقض قوانین و سیاست‌ها و فعالیت‌های اقتصادی، انگیزه مرتکبین این‌گونه جرایم است (Haji Dehabadi & Soleymani, 2021).

۱. معیار عواید اقتصادی

برای جرایم اقتصادی که مستقیماً با انگیزه تحصیل سود و امتیاز مادی است قابل توجیه است (Haji Dehabadi & Soleymani, 2017).

گری بکر معتقد بود که مجرمان به لحاظ زیستی، روان‌شناختی و اجتماعی متفاوت از دیگران نیستند و تصمیم آنان به ارتکاب جرم، تنها متأثر از انگیزه‌ها و عوامل جبری نیست بلکه از تمامی مؤلفه‌هایی که رفتارهای عامدانه و قاصدانه انسانی را شکل می‌دهد تأثیر می‌پذیرد. بنابراین به همان شکل که در اقتصاد، افراد برای رفتار اقتصادی دست به انتخاب می‌زنند، در گزینش متغیرهای مجرمانه از متغیرهای غیرمجرمانه امکان انتخاب دارند و همانند مصرف‌کننده‌ای در بازار عمل می‌نمایند. بر اساس این نظریه، افرادی که تصمیم به ارتکاب جرم می‌گیرند، همان تحلیل هزینه - منفعتی را به کار می‌گیرند که هنگام اتخاذ رفتارهای قانونی دارند (Khālqī & Shāh-Cherāgh, 2022).

جوکوئیست با پیروی از روش بکر، مدلی پایه‌گذاری نمود که در آن افراد با فرض داشتن زمان ثابت، آن را در میان کارهای قانونی و غیرقانونی تقسیم می‌نمایند که در آن هزینه‌های مالی و روانی و عایدی مورد انتظار ناشی از جرم در تصمیم‌گیری‌های آنان مؤثر است. پس در رهیافت اقتصادی به رفتار جنایی می‌توان گفت، شخصی که مرتکب جنایت می‌شود به جای سرمایه‌گذاری در فعالیت قانونی بی‌تناسب با خصوصیت شخصیت و انگیزه‌های خود، با انتظارات مادی و منفعت حاصل از عمل مجرمانه خود که در مقایسه با فایده احتمالی حاصل از صرف وقت و منابع مالی در فعالیت قانونی، از قطعیت و ارزش بیشتری برخوردار است تمام توجه خود را معطوف به ارزیابی مزایا و هزینه‌های مربوط به جرم اقتصادی می‌نماید. این معیار با دیدگاه مکاتب تحلیل اقتصادی حقوق در ارتباط و تأثیر متقابل قواعد حقوقی و انگیزه‌های ارتکاب جرم منطبق است (Rostami, 2016). رویکرد اقتصادی به قوانین کیفری

بر اساس این نظریه که هزینه‌های بزه‌دیدگان را بررسی می‌کند، جرایم اقتصادی، جرایمی است که بزه‌دیدگان از ناحیه آن، چیزی از دست داده و متحمل هزینه‌ای می‌شوند. بنابراین این‌گونه جرایم، بزه‌دیدگان مستقیم مانند اشخاص، گروه‌ها، سازمان‌ها و اشخاص حقوقی و بزه‌دیدگان غیرمستقیم دارد که ممکن است دولت یا نظام اقتصادی باشد. از این‌رو جرایم اقتصادی دسته‌ای از جرایم است که کارآمدی و سودمندی تجارت، بازرگانی و کسب‌وکار را از حالت عادی و نظم موجود خارج کرده و نتایج و پیامدهای سوء آن، فراتر از شخصی است که مستقیماً زیان می‌بیند و به دیگران نیز آسیب می‌رساند. وصول وجوه کلان به صورت قبول سپرده اشخاص حقیقی یا حقوقی تحت عنوان مضاربه و نظایر آن که موجب حیف و میل اموال مردم یا اخلال در نظام اقتصادی شود، اخلال در امر توزیع مایحتاج عمومی از طریق گران‌فروشی کلان‌ارزاق یا سایر نیازمندی‌های عمومی و احتکار، تأسیس، نمایندگی و عضوگیری شرکت‌های هرمی از این معیار بررسی می‌شود (Gholami, 2020a).

۱. معیار فرآیندهای اقتصادی

این نظریه توسط اقتصاددانان در دهه ۱۹۶۰ ارائه شده و بیانگر این موضوع است که فرآیندهایی که منجر به رفتار کیفری می‌شود به مثابه همان فرآیندهایی است که رفتار مصرف‌کننده را در بازار شکل می‌دهد. رهیافت‌های گری بکر که به نظریه نئوکلاسیک یا اقتصادی تبیین جرم مشهور است با این دیدگاه هماهنگ است. ریشه‌های این نظریه را می‌توان در نظریات بنتام و بکاریا مشاهده نمود. نظریات این دو تن در مورد مجازات مجرمین و معیار ارباب برای جلوگیری از ارتکاب جنایت اگرچه در آن زمان متوجه جرایم اقتصادی نبوده است ولی محاسبه هزینه - منفعت که به‌خصوص در دیدگاه بنتام مشهود است، در برآورد مرتکب،

پیش‌بینی می‌کند که افراد مجرم همانند دیگران به محرک‌ها عکس‌العمل نشان می‌دهند و شواهد روشنی دال بر این نکته وجود دارد که افزایش احتمال و شدت مجازات در یک رفتار مجرمانه، میزان ارتکاب آن جرم را کاهش می‌دهد (Kāzemi, 2022).

۳-۳. ضابطه اقتصادی

ضابطه اقتصادی، به بررسی موضوع جرایم اقتصادی توجه دارد. در واقع مهم‌ترین ویژگی جرم اقتصادی، برتری جنبه عینی جرم بر جنبه شخصی و ذهنی آن است. یعنی آنچه در جرم اقتصادی اهمیت دارد تأثیرگذاری بر روند سالم سیاست‌ها و فعالیت‌های اقتصادی است. ملاک در این ضابطه، حوزه و قلمرو ارتکاب این‌گونه جرایم است. از جنبه معیار موضوعی، جرایمی که علیه دو شاخص اقتصادی صورت گیرد جرم اقتصادی محسوب می‌شود. این دو شاخص را می‌توان تحت عناوین سیاست‌های اقتصادی و فعالیت‌های اقتصادی دسته‌بندی نمود. جرایم حوزه دسته اول به سیاست‌های اقتصادی دولت مربوط است و دربرگیرنده سیاست‌های مالی و پولی می‌شود. جرایم حول محور پول و ارز و درآمدهای دولت در این دسته قرار می‌گیرند. جرایم حوزه دسته دوم مربوط به فعالیت‌های اقتصادی است که کلیه فعالیت‌های مربوط به تولید، توزیع و مصرف را شامل می‌شود. در این دسته، هرگونه عمل مجرمانه علیه فعالیت بنگاه‌های اقتصادی، شرکت‌های تجاری و حقوق مصرف‌کننده به‌عنوان جرم اقتصادی قابل تعقیب است. ابتدا به معیار جرایم علیه سیاست‌های اقتصادی پرداخته می‌شود. اما پیش از آن معرفی اجمالی نظام‌های اقتصادی ضرورت دارد: سه نظام اقتصادی برنامه‌ای، لیبرال یا آزاد و نظام اقتصادی مختلط در دنیا رواج دارد (Schaefer, 2018).

در نظام اقتصادی برنامه‌ای، ابزارها و فعالیت‌های اقتصادی تحت نظارت و منطبق با سیاست مرکزی دولت به کار گرفته می‌شود و

تخلف از مقررات تنظیمی دولت، جرم محسوب می‌شود. اصول حاکم بر بازار، دستورها و اوامر دولت است و سازوکار بازار باید خود را با مقررات دولتی هماهنگ نماید. بنابراین ارتکاب اعمال و رفتار مخالف با سیاست‌های اقتصادی دولت، جرم محسوب می‌شود و مجازات‌های سنگین به دنبال دارد. در نظام اقتصادی لیبرال یا اقتصاد آزاد، مردم در انجام فعالیت‌های اقتصادی خود آزادند و دولت در اقتصاد دخالتی ندارد و رقابت آزاد حاکم است. در این نظام، آنچه ملاک سرمایه‌گذاری، تولید، توزیع، درآمد، قیمت‌گذاری و عرضه کالا و خدمات است تصمیم‌گیری‌های شخصی است. در عین آزادی رقابت در این نوع نظام اقتصادی، رقابت نامشروع با واکنش دولت مواجه خواهد شد و معمولاً قانون مستقل به نام قانون جرایم اقتصادی وجود ندارد بلکه قوانین کیفی اقتصادی به صورت متفرقه، بیان شده است و جرایم اقتصادی به صورت مقطعی و به تناسب شرایط اقتصادی وضع می‌شود و معمولاً دوره اعتبار مشخصی دارد. دخالت دولت جنبه ارشادی داشته و در جهت حمایت از سرمایه‌های خصوصی اشخاص صورت می‌گیرد لذا دخالت دولت بسیار محدود و نظارت به صورت حداقلی است (Saburi, 2016).

نظام اقتصادی مختلط، ترکیبی از نظام اقتصادی آزاد و دولتی است. امروزه در اکثر کشورها نظام اقتصادی مختلط حاکم است ولی ممکن است درپاره‌ای از کشورها یکی از جنبه‌ها غالب باشد. بنابراین دولت در امور اقتصادی دخالت دارد اما این دخالت مطلق نیست و به اندازه‌ای نیست که آزادی‌های مردم را به‌طور کامل سلب نماید. جرم‌انگاری در این نظام به شکلی است که در صورت تعدی به سیاست‌های اقتصادی، دولت واکنش نشان داده و در مقابل از فعالیت‌های اقتصادی مشروع اشخاص نیز حمایت می‌کند باوجود این، نمی‌توان گفت که در یک نظام اقتصادی، قوانین مربوط به جرم اقتصادی وجود دارد و در

از حد در اقتصاد کلان است. مشخصه‌های ثبات اقتصادی عبارت‌اند از افزایش تولید نسبتاً ثابت، تورم پایین، اشتغال‌زایی و... در مقابل، وجود رکود اقتصادی در چرخه کسب و کار و تولید، تورم بسیار بالا یا متغیر و بحران‌های مالی مکرر، نشان از بی‌ثباتی دارد. اینک در دو بخش به بررسی جرایم علیه سیاست‌ها و فعالیت‌های اقتصادی پرداخته می‌شود؛

الف. جرایم علیه سیاست‌های اقتصادی

گفته شد که سیاست‌های اقتصادی دربرگیرنده سیاست‌های پولی و مالی است. برخی معتقدند که نوع دیگری از سیاست‌های اقتصادی دولت وجود دارد و آن سیاست‌های درآمدی است. اما باید گفت که سیاست‌های درآمدی، زیرمجموعه سیاست‌های مالی است. سیاست پولی کشور توسط بانک مرکزی اتخاذ و ابلاغ می‌شود که از طریق ابزارهای حداقل ذخیره قانونی، تعیین نرخ تنزیل مجدد، عرضه اوراق مشارکت و غیره صورت می‌گیرد. آن بخش از اعمال مجرمانه که مخالف این‌گونه سیاست‌ها باشد ممکن است در سه دسته قرار گیرد؛ بخشی مربوط به خلق مجرمانه پول اعم از پول فلزی و اسکناس و اسناد جایگزین پول مثل چک است که با جعل و واردکردن آن به چرخه اقتصادی به‌نوعی ایجاد پول کاذب نموده و علاوه بر اختلال در نظام پولی و بانکی و تورم، منفعت مادی برای مرتکب نیز به دنبال دارد. پول‌های اعتباری مانند چک‌های الکترونیکی و تضمینی و مسافرتی و کارت‌های اعتباری نیز از این دسته است. خلق مجرمانه از این جهت جرم علیه سیاست اقتصادی دولت محسوب می‌شود که علاوه بر افزایش حجم پول و کاهش ارزش پول و سلب اعتماد عمومی عملاً کنترل و نظارت دولت و بانک مرکزی را که متولی ضرب سکه و چاپ اسکناس است مختل می‌سازد (Braithwaite, 2023). جعل اسکناس داخلی یا خارجی یا اسناد بانکی در شرایط عادی جزو جرایم علیه آسایش عمومی دسته‌بندی می‌شود. اما دقت در

نظام دیگر نیست و همچنین نمی‌توان مدعی شد که در اقتصادهای متمرکز، جرم اقتصادی و حقوق جزای اقتصادی پذیرفته شده و در نظام غیرمتمرکز، چنین قوانینی تصویب نشده است چرا که در نظام‌های اقتصادی آزاد یا لیبرال نیز پاره‌ای از جرایم که مربوط به دولتمردان می‌شود امکان ارتکاب دارد. جرایمی که تحت عناوین فساد مالی، ارتشا، پرداخت چک مجعول بررسی می‌شود در بیشتر کشورها و حتی سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای به عنوان جرم اقتصادی شناسایی شده است (Braithwaite, 2023). حال باید دید منظور از سیاست‌گذاری اقتصادی و سیاست‌های اقتصادی چیست. سیاست‌گذاری اقتصادی مجموعه اقدامات و دخالت‌های دولت در اقتصاد است که به منظور تحقق اهداف کلان اقتصادی و اجتماعی معین با استفاده از ابزارهای تحت کنترل خود در چارچوب امکانات و محدودیت‌ها صورت می‌پذیرد. منظور از سیاست اقتصادی، به‌کارگیری ابزارها و امکانات مالی و پولی برای نیل به اهداف اقتصادی است. از ابزارهای اقتصادی دولت برای کنترل تورم و رشد اقتصادی می‌توان وضع قواعد مالیاتی، مقررات صادرات و واردات، قوانین کار و حداقل دستمزدها، عرضه اوراق مشارکت و قوانین پولی و ارز را نام برد. به‌کارگیری ابزارهای اقتصادی برای نیل به اهداف اقتصادی صورت می‌گیرد. مثلاً عرضه اوراق مشارکت برای کاهش نقدینگی در دست مردم و کنترل تورم یا محدودکردن واردات برای حمایت از تولید داخلی و افزایش اشتغال صورت می‌گیرد. سیاست‌های اقتصادی دولت به دو بخش سیاست‌های مالی و پولی تقسیم می‌شود. هدف مشترک سیاست‌های پولی و مالی، نگاه‌داشتن تولید در نزدیکی اشتغال کامل و تثبیت سطح قیمت‌های موجود در اقتصاد است. در صورت تحقق صحیح سیاست‌های اقتصادی دولت، می‌توان به ثبات اقتصادی دست یافت (Haji Dehabadi, 2020). ثبات اقتصادی به‌منزله عدم نوسانات بیش

متن ماده ۵۲۶ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده) بیانگر این است که ارتکاب این جرایم به قصد اخلال در وضع پولی یا بانکی یا اقتصادی یا برهم‌زدن نظام و امنیت سیاسی، این جرایم را در زمره جرایم اقتصادی قرار می‌دهد. گرچه در زمان تصویب قانون، توجهی به جرم اقتصادی نشده بود در عین حال چنین عملی به لحاظ اخلال در نظام اقتصادی و برهم‌زدن سیاست اقتصادی در زمره جرایم اقتصادی قرار می‌گیرد چرا که این‌گونه جرایم با توجه به تعریف سیاست‌های اقتصادی که دربرگیرنده سیاست‌های پولی و مالی است، اخلال در نظام پولی و مالی محسوب می‌شود (Haji Dehabadi & Ghaderi Nia, 2021). بخشی دیگر از جرایم مربوط به پول، جرایمی است که به‌منظور تحصیل مجرمانه پول ارتکاب می‌یابد. جرایمی هم‌چون جرایم بورسی، جرایم مربوط به قیمت‌ها، اوراق مشارکت، قرض پول (ربا) و قاچاق کالا و ارز در این دسته قرار می‌گیرد. جرایم بورسی شامل اقداماتی می‌شود که خارج از روند عادی و صحیح معاملات اوراق بهادار بوده و غالباً توأم با سوءنیت و با توسل به شیوه‌های غیرقانونی و به منظور قیمت‌سازی و اخلال در بازار بورس ارتکاب می‌یابد. عمده‌ترین جرایم بورسی عبارت است از: معامله متکی بر اطلاعات نهانی، سوءاستفاده از اطلاعات نهانی، افشای مستقیم یا غیرمستقیم اطلاعات مجرمانه، دست‌کاری قیمت بازار، افشای اسرار اشخاص توسط کارگزار بورس، کارگزار/ معامله‌گر یا بازگردان، خودداری از ارائه اطلاعات یا اسناد و مدارک مهم به سازمان بورس و غیره دستکاری غیرقانونی قیمت سهام نیز به‌صورت تبانی قبلی و ساختگی ارتکاب می‌یابد که بر قیمت سهام و دیگر اوراق بهادار قابل مبادله تأثیر می‌گذارد. تقلب در اوراق بهادار، اعتماد مردم به بازار بورس را تضعیف می‌نماید؛ بازاری که برای ایجاد فرصت‌های برابر سرمایه‌گذاری‌های عمومی در معاملات اوراق بهادار ایجاد شده

است که در نهایت موجب کاهش اعتماد به نفس در بازار سهام و فقدان سرمایه‌گذاری لازم برای تأمین نیازهای مالی حوزه کسب و کار و بی‌ثباتی اقتصادی می‌شود (Cherāgh, 2022). جرایم مربوط به قیمت‌ها نیز که دربرگیرنده اعمال مجرمانه‌ای نظیر تجاوز از قیمت مصوب، ایجاد قیمت‌های کاذب و اخلال در آزادی حراج و مزایده است و هم‌چنین انتشار امور غیرواقعه درمورد اوراق مشارکت عرضه‌شده توسط دولت به منظور سلب اعتماد مردم و تحریک به استرداد این اوراق به‌منظور خرید آن‌ها توسط فرد تحریک‌کننده نیز مصادیق جرم اقتصادی با عنوان تحصیل مجرمانه پول محسوب می‌شود (Haji Dehabadi & Soleymani, 2022). گرفتن ربا و سوءاستفاده از اضطرار اشخاص در دادن قرض یا بهره و وساطت در ربای قرضی نیز به لحاظ فلسفه ربا که به‌نوعی مانع امر تولید می‌شود، اخلال در نظام اقتصادی و جرم علیه سیاست اقتصادی محسوب می‌شود زیرا رباگیرنده بدون هیچ فعالیت تولیدی و اقتصادی مبالغی را از طریق مجرمانه تحصیل می‌کند. گاهی اوقات منشأ پول تحصیل‌شده قانونی است ولی بخشی از درآمد که سهم دولت است و جزو درآمدهای دولت برای مخارج عمومی محسوب می‌شود و تکلیف اشخاص به پرداخت این وجوه است با عدم تکالیف قانونی و پرداخت آن‌ها عنوان جرم اقتصادی دارد که از آن به حبس مجرمانه پول تعبیر می‌شود. حبس مجرمانه پول، در برگیرنده اعمال و رفتارهای مجرمانه‌ای مانند تقلب مالیاتی از طریق اظهار نادرست مالیاتی یا دست‌کاری در دفاتر، تقلب گمرکی (واردات و صادرات کالا بدون اظهارنامه یا اظهارنامه نادرست) و پولشویی می‌شود (Haji Dehabadi & Soleymani, 2017).

جرایم مرتبط با پرداخت مالیات به دلیل اتکای اقتصاد بسیاری از کشورها بر مالیاتی است که از مردم دریافت می‌شود و ناهنجاری در پرداخت آن می‌تواند به متزلزل شدن اقتصاد منجر شود و

دولتی برای تولید و توزیع بر عهده می‌گیرد. در نظام‌های غیرمتمرکز نیز انجام فعالیت‌های اقتصادی مستلزم رعایت پاره‌ای ضوابط مقرر است ولی نظارت دولت شدید نیست (Rostami, 2016).

شرکت‌ها و بنگاه‌های اقتصادی برای وارد شدن به چرخه اقتصادی مکلف به رعایت نظامات هستند. قوانین وضع شده در خصوص تشکیل شرکت‌های تجاری ممکن است صرفاً معطوف به حمایت از حقوق مصرف‌کننده نباشد و منافع و حقوق سهام‌داران و اشخاص ثالث را مدنظر قرار دهد. الزامات مربوط به تشکیل و ثبت شرکت، نشر آگهی، انتشار اوراق قرضه و تشکیل جلسات مجامع و تصمیمات آن‌ها از این دسته است. بنابراین هرچند نتوان به طور مستقیم به عنوان جرایم علیه سیاست‌های اقتصادی دولت یا فرایند تولید و توزیع و مصرف به آن‌ها نگاه کرد، چون هدف تمامی شرکت‌های تجاری کسب سود و منفعت مادی است و همگی در چرخه اقتصادی فعالیت می‌کنند تحت عنوان جرایم علیه فعالیت‌های اقتصادی قابل بررسی است. کما اینکه قانونگذار هم در پاره‌ای موارد مجازات‌های کیفری شدیدی در حد کلاهبرداری برای آنان در نظر گرفته است. در قانون کیفری جمهوری ارمنستان، ایجاد و تأسیس یک شرکت تجاری بدون قصدانجام فعالیت‌های کارآفرینی و بانکی، با هدف اخذ وام، فرار از مالیات، به‌دست آوردن مزایای مادی و پنهان کردن فعالیت‌های ممنوع که موجب آسیب به دولت و دیگر شرکت‌های تجاری و مردم می‌شود جرم و مستوجب مجازات است. نمونه دیگر جرم اقتصادی مرتبط با تشکیل و فعالیت ممنوعه، تأسیس و اداره شرکت‌های هرمی است که در بیشتر کشورها جرم انگاری شده است. در اقتصاد امروز دنیا که ارتباطات مجازی و رایانه‌ای گسترش یافته از طریق بازاریابی شبکه‌ای اقدام به جذب مشتری و فروش محصولات خود می‌نمایند ولی در شکل منفی بازاریابی شبکه‌ای،

این دسته از جرایم برخلاف دیگر جرایم اقتصادی بر ضد دولت است و منافع و مزایای شهروندان به‌طور مستقیم، هدف جرم واقع نمی‌شود (Haji Dehabadi & Ghaderi Nia, 2021). تقلب گمرکی عبارت است از تخلف گمرکی که بدان وسیله شخصی موجب اغفال گمرک و فرار از پرداخت تمام یا بخشی از مالیات‌ها و عوارض مربوط به ورود یا صدور شده یا اجرای ممنوعیت‌ها و محدودیت‌های موضوع قانون امور گمرکی را نادیده گرفته یا منافی مغایر با قانون امور گمرکی به دست آورد (ماده یک کنوانسیون بین‌المللی همکاری‌های متقابل اداری به منظور پیشگیری، تجسس و جلوگیری از تخلفات گمرکی مصوب ۱۹۵۵). پولشویی نیز از جمله جرایم مهم اقتصادی محسوب می‌شود.

ب. جرایم علیه فعالیت‌های اقتصادی

فعالیت‌های اقتصادی در سه محور تولید، توزیع و مصرف در جریان است و عملکرد بازار در این رابطه، تمامی عوامل اعم از تولیدکننده، توزیع‌کننده، مصرف‌کننده، بورس و اوراق بهادار، صادرات و واردات، محیط زیست، رقابت مشروع، بازار پول و ارز و به‌طور کلی همه عوامل اقتصادی در یک جامعه را در بر می‌گیرد. این سه محور که به محورهای جرایم علیه فعالیت‌های اقتصادی می‌پردازند شامل دوره فعالیت‌های اقتصادی (شروع و پایان فعالیت) ابزارهای فعالیت‌های اقتصادی (شرکت‌ها و بنگاه‌های اقتصادی) و موضوع فعالیت‌های اقتصادی (حوزه رقابت و مصرف) می‌شوند. طبق این ضابطه، هرگونه جرمی که منحل فعالیت اقتصادی شود، خواه از طرف یک شرکت تجاری یا بنگاه اقتصادی سر زده باشد، خواه از طرف اشخاص حقیقی و خرده فروشان، می‌تواند در قلمرو جرم اقتصادی قرار گیرد. برای تنظیم یا تصدی فعالیت‌های اقتصادی، قواعدی توسط دولت وضع می‌شود. در نظام‌های متمرکز، دولت خود تصدی فعالیت‌های اقتصادی را در قالب شرکت‌های

سوداگران بدون اقدام به فعالیت اقتصادی از طریق جذب افراد و تشکیل زنجیره انسانی مبالغی را به دست می‌آورند که به نظام تولید ضربه می‌زند. این‌گونه شرکت‌ها غیرقانونی بوده و هرگونه فعالیت در آنها توسط مؤسسين و اداره‌کنندگان تحت عنوان جرم اقتصادی تلقی و مرتکبین به جرم اخلال در نظام اقتصادی کشور مجازات می‌شوند (Fazeh, 2023).

طبق نظر پروفیسور تراکمن جرم اقتصادی به دو گروه تقسیم می‌شود. گروه اول فعالیت‌های اقتصادی اساساً نامشروع و غیرقانونی است نظیر شرط بندی و قمار و گروه دوم جرایمی است که به منظور تحصیل سود در راستای فعالیت‌های اقتصادی پس از تأسیس قانونی تشکیلات اقتصادی اتفاق می‌افتد که شامل سوءاستفاده از سرمایه مورد استفاده در تشکیلات اقتصادی و فعالیت‌های منجر به ضرر شرکای اقتصادی، سهام‌داران و اشخاص ثالث، سوءاستفاده از سرمایه‌های امانی شرکت و انجام اقدامات علیه کارگران مانند تخلف از حداقل دستمزدها، نقض قوانین رقابت تجاری، نقض حقوق مصرف‌کننده و جرایم زیست‌محیطی و تخلفات نقض منافع دولت مانند فساد مالی و تقلب مالیاتی می‌شوند (Mahmoodi Janki, 2019).

برخی از جرایم مربوط به دوره فعالیت شرکتها تجاری است. جرایم ورشکستگی به تقلب و تقصیر جزو اینگونه جرایم محسوب می‌شود. جرایم ارتكبابی در این مرحله را تحت عنوان جرایم شرکتی نام‌گذاری کرده‌اند. جرایم شرکتی معطوف به اقدامات مجرمانه دسته‌جمعی (هیئت مدیره و مدیرعامل) یا کارکنان شرکت است که اهداف مشترک را برای تسهیل منافع شرکت دنبال می‌کنند. جرایمی مانند حساب‌سازی، تقلب در تنظیم صورت‌های مالی شرکت، رقابت مکارانه جزو این دسته قرار می‌گیرد. لذا از طریق شرکت‌های تجاری یا بنگاه‌های اقتصادی (به عنوان ابزار فعالیت اقتصادی) فعالیت‌های نامشروع و غیرقانونی صورت می‌گیرد. اما اینکه فعل

مجرمانه به شرکت یا مدیران و کارکنان منتسب می‌شود مورد اختلاف است. در این زمینه دو نظریه مطرح شده است: نظریه همانندسازی جرایم شرکت‌ها به جرایم مدیران شرکت و نظریه استقلال جرایم شرکت‌ها. دلیل اصلی بروز این اختلافات در پذیرش یا عدم پذیرش مسئولیت کیفری برای اشخاص حقوقی بوده است. به موجب نظریه همانندسازی، جرم شرکت‌ها بازتاب اعمال مجرمانه مدیران شرکت است (Gholami, 2020a).

بنابراین انحراف شرکت، ناشی از تصمیمات و اقدامات مدیران برای اداره شرکت بوده و ممکن است به منظور نجات یک شرکت در آستانه ورشکستگی انجام پذیرد که جرایم واکنشی نام دارد یا در آغاز تأسیس صرفاً با هدف و انگیزه کلاهبرداری یا پنهان کردن اعمال مجرمانه صورت می‌گیرد که جرایم ساختگی نامیده می‌شود. در مقابل، نظریه استقلال بزهکاری شرکت‌ها با استناد به این اصل که در اقتصاد لیبرال و به طریق اولی در عصر جهانی شدن این اقتصاد، هدف اصلی هر شرکت به حداکثر رساندن سود است، لذا بزهکاری اقتصادی بخش اجتناب‌ناپذیر اینگونه نهادهای اقتصادی است، چرا که به منظور ادامه حیات و فعالیت خود در فضای رقابت، راهی جز توسل به بزهکاری ندارند. جرایم موضوع فعالیت‌های اقتصادی در دو حوزه رقابت میان تولیدکنندگان و توزیع‌کنندگان و حوزه مصرف متمرکز است. در آمریکا بر اساس قوانین حمایت از حقوق مصرف‌کننده، فروشنده‌ای که از رویه‌های غیرمنصفانه، فریبکارانه و تبلیغات دروغین، کالا و خدمات خود را عرضه نماید تحت تعقیب قرار می‌گیرد. ملاک تبلیغات فریبنده و خلاف واقع، ایجاد رابطه غیرواقعی بین تصویر و بیان در تبلیغات، عدم وضوح عناصر مهم در تبلیغات و نحوه ارائه و محتوای تبلیغات است که باعث سردرگمی، اغتشاش انتخاب و تصمیم‌گیری صحیح مشتری می‌شود. با تبلیغ فریبنده و دروغین و وانمودکردن کالا و خدمات غیرواقعی به جای کالای با کیفیت، در واقع تولیدکننده یا

بازار، ایجاد مانع در ورود رقبای جدید یا حذف آن‌ها، مشروط ساختن قرارداد به قبول تعهدات غیرمرتبط و تملک سرمایه شرکت‌ها در صورت منجر شدن به اخلال در رقابت، صورت گیرد. در حوزه رقابت، تخلفات و جرایم ارتكابی متوجه تولیدکنندگان و توزیع‌کنندگان کالا و خدمات می‌شود. در این رابطه اقتصادی، وضعیت رقابتی به وضعیت انحصاری یا نیمه‌انحصاری تبدیل می‌شود. قیمت‌گذاری تهاجمی، سوءاستفاده از موقعیت برتر و طفیلی‌گری اقتصادی از جمله جرایم اقتصادی در حوزه موضوع فعالیت‌های اقتصادی محسوب می‌شوند. آنچه در مجموع به عنوان ضابطه اقتصادی در حوزه سیاست‌ها و فعالیت‌های اقتصادی می‌توان گفت، به هدف اصلی حاکمیت در برقراری نظم عمومی اقتصاد معطوف است. به همین جهت جرم اقتصادی شامل هر فعل یا ترک فعلی می‌شود که به سلامت بنیان اقتصادی لطمه می‌زند (Fazeh, 2023).

نتیجه‌گیری

جرایم اقتصادی ماهیت پیچیده‌ای دارند و به دلیل تأثیرپذیری این‌گونه جرایم از عوامل اقتصادی، سیاسی و اجتماعی، علم جرم‌شناسی نیز علی‌رغم جامعیت نتوانسته شناخت کاملی از آن‌ها پیدا نماید و در نهایت منجر به بروز نظریات مختلف در این زمینه شده است. به کارگیری اصطلاحاتی چون مفاسد اقتصادی، جرم مالی، جرم اقتصادی، اخلال در نظام اقتصادی و ... در متون قانونی، برداشت‌های متفاوتی را در پی داشته است. وصف اقتصادی این‌گونه جرایم، اتخاذ سیاست کیفری هوشمندانه را طلب می‌کند به این دلیل که دوام و بقای جوامع تا حد زیادی به اقتصاد وابسته است. به علاوه مرز میان جرایم حوزه فعالیت‌های مشروع تجاری و کسب و کار با بزهکاری اقتصادی روشن نیست و چه بسا جرم‌انگاری پاره‌ای از فعالیت‌ها بدون تعیین ضابطه و معیار مؤثر و مفید، انگیزه سرمایه‌گذاری و رونق اقتصادی را از بین ببرد. از طرفی دیگر بیان مصادیق

توزیع‌کنندگان به طریق نامشروع، مالی را تحصیل می‌کنند که مستحق آن نبوده‌اند چرا که در صورت اطلاع‌رسانی صحیح به مشتری، او یا از خرید محصول خودداری می‌نمود یا به قیمت کم‌تر خریداری می‌کرد و این از مصادیق عمل بزهکاری به انگیزه کسب منفعت مادی است. در بیشتر قوانین داخلی کشورها و حقوق بین‌الملل، حقوق مصرف‌کننده را شامل حق برخورداری از سلامت و ایمنی، حق جبران خسارت، حق آموزش، حق داشتن محیط زیست سالم و غیره می‌دانند. مصرف‌کننده‌ای که با تبلیغات دروغین مغبون شده و کالای تقلبی یا بی‌کیفیت دریافت داشته به نوعی بزه‌دیده جرم اقتصادی در حوزه مصرف محسوب می‌شود. از این گذشته، تبلیغات دروغ یا تقلب در کالا و خدمات، نقض قوانین کیفیت و استاندارد نیز هست (Fazeh, 2023).

سازمان استاندارد کیفیت ایزو ۱۹۶۴ و اصلاح بعدی آن در سال ۲۰۰۰، کیفیت را این‌گونه توصیف می‌نماید: کیفیت یعنی مجموعه ویژگی‌هایی که یک کالا یا خدمات یا یک فرایند باید داشته باشد تا نیازها و انتظارات آشکار و پنهان مشتری را برآورده نمود و ظرفیت بهبودپذیری نیز داشته باشد. دامنه جرایمی که موجب نقض حقوق مصرف‌کننده است، تولید و توزیع کالا و خدمات را در برمی‌گیرد. این جرایم ممکن است به صورت کلان توسط شرکت‌های بزرگ تولیدکننده با تولید و عرضه کالاهای معیوب صورت پذیرد یا توسط واسطه‌ها و فروشندگان کوچک که نقش توزیع‌کننده را ایفا می‌کنند به صورت عرضه کالای معیوب یا فاقد استاندارد یا با تبلیغ کاذب یا قیمت غیرواقعی به وقوع بپیوندد. در ماده ۸۲ اتحادیه اروپا (رم) و لایحه قانون رقابت ایران، مصادیق توافق مغایر با رقابت، شامل مواردی است که با سوءاستفاده از موقعیت برتر ممکن است از طریق تعیین یا حفظ یا تغییر قیمت نامتعارف کالا یا خدمات، تحمیل شرایط غیرمنصفانه قراردادی، تحدید مقدار عرضه و تقاضا به منظور افزایش یا کاهش قیمت

ممکن است موجب مصونیت بسیاری از مرتکبان جرایم اقتصادی با تکیه بر اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها شود و از آنجا که اکثر بزهکاری‌های اقتصادی در پوشش فعالیت‌های قانونی و به‌ظاهر مشروع صورت می‌گیرد، غفلت از نتیجه مجرمانه و توجه بیشتر به مبنا و منشأ عمل شخص، جامعه را از کیفردهی و اجرای عدالت باز می‌دارد. به‌علاوه، تعاریف و دسته‌بندی‌های صورت‌گرفته از بزهکاری‌های اقتصادی نه تنها به شناخت این جرایم کمکی نمی‌کند بلکه در مرحله واکنش حاکمیت و جامعه، باعث چندگانگی در تعقیب و کیفر می‌شود. تعاریف مبتنی بر ماهیت و کمیت ضرر و زیان وارده، بزه دیده، هدف و موضوع ارتکاب جرم و شخصیت و موقعیت اجتماعی مرتکب به این چندگانگی دامن می‌زند. بنابراین منفعت اجتماعی ایجاد می‌کند تا ضمن حمایت از سرمایه‌گذاری و تشویق مردم به فعالیت‌های اقتصادی و حفظ امنیت و ثبات اقتصادی، با اتخاذ سیاست‌های کیفری مناسب در خصوص جرم‌انگاری در حوزه اقتصاد در سطح خرد و کلان، رشد و بالندگی را به جامعه هدیه داده شود. بدون مبانی نظری و حتی بدون توجه به تجربیات عملی نظام اقتصادی و رفتارهای مجرمانه‌ای که در حال حاضر اقتصاد کشور را تهدید می‌کند، وارد قانون شده است. با اینکه قانون تلاش کرده است که مصادیق جرم اقتصادی را احصا کند و سیاست کیفری قهرآمیزی با این دسته از جرایم اتخاذ کند، ولی در این راه موفق نبوده است. تشخیص مصادیق جرایم اقتصادی با ابهامات زیادی مواجه است و دامنه دقیق این جرایم مشخص نیست. مهم‌ترین مصادیق جرایم اقتصادی مانند جرایم بانکی و حوزه تأمین سرمایه در این مفهوم نادیده گرفته شده است و در واقع وضع مفهوم جرم اقتصادی و احصای مصادیق آن بیش از آنکه بازدارنده باشد، به نفع مجرمان اقتصادی واقعی که اغلب در حوزه‌های مسکوت قانون فعالیت می‌کنند، است، زیرا وفق اصل قانونی بودن جرایم و مجازات

امکان تسری عنوان جرم اقتصادی به رفتار ایشان وجود ندارد. ضمن اینکه معیار خاصی برای تشخیص تمام مصادیق جرم اقتصادی ارائه نشده و سیاست کیفری مبارزه با این جرایم نیز به سه حکم پراکنده محدود شده است، درحالی که در اغلب کشورهای دنیا با توجه به اهمیت موضوع، بسته سیاستی کاملی اعم از اصلاحات ساختاری، سیاست‌های پیشگیرانه و سیاست کیفری قهرآمیز و بازدارنده در برابر این جرایم اتخاذ و اعمال می‌شود. همچنین با توجه اینکه این مفهوم مشتمل بر جرم‌انگاری نیست، هیچ ارزش افزودهای برای مشکلات جاری و مسکوت نظام اقتصادی ندارد؛ برای مثال در حوزه جرایم بانکی دریافت تسهیلات با اسناد مجعول هویتی و رهنی و اظهارات خلاف و بدون داشتن شرایط مقرر قانونی، سپردن وثایق فاقد اعتبار یا کم‌اعتبار، سوء استفاده از اشخاص حقوقی صوری با ذی‌نفعان واحد، انحراف در موضوع تسهیلات دریافتی و استفاده از آن در حوزه‌های غیر از هدف مصوب در قانون یا قرارداد بانک، استفاده از تسهیلات دریافتی از بانک‌های داخلی در سرمایه‌گذاری خارج از کشور بدون مجوز قانونی یا قراردادی، عدم بازپرداخت عامدانه اقساط تسهیلات از سوی دریافت‌کنندگان، دریافت تسهیلات مضاعف برای اسناد واحد، ادعای ورشکستگی واهی از سوی بدهکاران کلان بانکی برای فرار از پرداخت تمام یا بخشی از تسهیلات، رفتارهای عمده‌های هستند که به نظام بانکی کشور آسیب وارد کرده است^۱ و هنوز در نظام حقوقی ایران جرم‌انگاری نشده‌اند و کماکان زمینه‌های لازم برای اخلال در نظام اقتصادی را به‌وجود می‌آورند. با توجه به اشکالات مذکور، مفهوم ارائه شده از جرم اقتصادی در قانون مجازات اسلامی، فاقد کارکرد مؤثر در زمینه مبارزه با این جرایم است و باید به این منظور بسته سیاستی کاملی مشتمل بر مجموعه‌ای از اصلاحات ساختاری تا اقدامات قهرآمیز کیفری تدوین شود که در آن تعریف دقیقی از جرم اقتصادی ارائه شده و علاوه بر احصا و تدوین

صورت بخش شایان توجهی از اشکالات مذکور رفع خواهد شد.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

EXTENDED ABSTRACT

Economic crimes represent a multifaceted challenge that transcends mere financial transgressions, permeating the very fabric of societal stability, economic integrity, and legal governance. In Iran, where economic vulnerabilities—such as inflation, sanctions, and systemic inefficiencies—have created fertile ground for illicit economic activities, the legal system's inability to effectively address these crimes has exacerbated societal fractures. Traditional punitive frameworks, rooted in retributive justice, fail to account for the complex interplay between economic structures, individual motivations, and systemic corruption. This gap is particularly pronounced in Iran's legal landscape, where the Islamic Penal Code (IPC) lacks a comprehensive definition of economic crimes, resulting in ambiguous legal interpretations that often benefit offenders rather than the state. The absence of a systematic approach to economic crime prevention and rehabilitation has led to rising recidivism, institutionalized corruption, and a erosion of public trust in legal institutions. Modern criminology, as a dynamic and evidence-based discipline, offers a transformative paradigm to address these challenges by shifting the focus from punishment to prevention, rehabilitation, and systemic reform. This article argues that integrating modern criminological principles into Iran's legal framework is not merely advisable but imperative for fostering a resilient, equitable, and economically stable society.

عناوین مجرمانه اقتصادی، حوزه‌های سکوت و ابهام قانون نیز رفع شود. تا زمان تدوین چنین مجموعه‌ای مطلوب است با ذکر اشکالات مذکور استفساریه‌ای از مجلس اخذ شود که طی آن مجلس شورای اسلامی، بر تمثیلی بودن مصادیق مذکور در بند ب ماده ۱۰۹ قانون مجازات اسلامی تصریح کند. در این

Modern criminology, or *kifrshenasi*, redefines the purpose of criminal justice by prioritizing the rehabilitation of offenders, the restoration of societal harm, and the prevention of future crimes through scientifically grounded strategies. Central to this paradigm is the emphasis on alternative punishments to imprisonment, such as community service, house arrest, and monetary fines, which address the root causes of criminal behavior while mitigating the societal costs of incarceration. Traditional prison systems, particularly in Iran, perpetuate cycles of recidivism by fostering environments that normalize criminality, erode personal accountability, and hinder social reintegration. Modern criminology counters this by advocating for graduated, context-sensitive sanctions that align with the severity of the offense and the offender's potential for rehabilitation. For instance, community service not only compensates victims but also fosters civic responsibility, while house arrest reduces the stigma of incarceration and preserves familial and professional ties. These approaches are underpinned by the principle of *proportionality*, ensuring that sanctions are neither excessively punitive nor lenient, thereby upholding both justice and human dignity. Critically, modern criminology rejects the notion that punishment alone can deter crime; instead, it emphasizes the need for holistic strategies that address socioeconomic factors, such as poverty and lack of education, which often drive economic crime (Haji Dehabadi, 2020; Haji Dehabadi & Ghaderi Nia,

2021; Kāzemi, 2022; Khālqī & Shāh-Cherāgh, 2022).

The definitional ambiguity surrounding economic crimes remains a critical barrier to effective legal intervention. Scholars and policymakers have long grappled with the absence of a universally accepted definition, leading to inconsistent legal interpretations and enforcement. Economic crimes are often conflated with related concepts such as corruption, financial fraud, and commercial offenses, yet they possess distinct characteristics that necessitate a nuanced analytical framework. This article proposes a dual-criteria approach to identify economic crimes: *criminological criteria* (focusing on the offender's intent, the nature of the act, and its societal impact) and *economic criteria* (assessing the disruption to macroeconomic policies, market stability, and public welfare). For example, while corruption may involve misuse of power for personal gain, economic crimes specifically target systemic economic structures, such as disrupting monetary policies, manipulating markets, or undermining national financial systems. The article further critiques prevailing theoretical frameworks, including Merton's anomie theory, which attributes economic crime to societal pressures for material success, and the economic environment theory, which links crime to market liberalization or state-controlled economies. These theories, while insightful, often overlook the intersectionality of individual psychology, institutional corruption, and global economic dynamics, underscoring the need for a more integrated analytical lens (Haji Dehabadi & Soleymani, 2017; Mahmoodi Janki, 2019).

Theoretical underpinnings of economic crime are further enriched by psychological and mixed frameworks. The psychological theory, rooted in Pinatel's criminal personality typology, posits that economic offenders exhibit traits such as narcissism, impulsivity,

and a lack of empathy, which drive their pursuit of illicit gains. This perspective, however, risks oversimplifying the complex interplay of structural and individual factors. In contrast, the mixed theory synthesizes criminological, economic, and psychological dimensions, arguing that economic crimes arise from a confluence of personal motivations (e.g., greed, ambition), systemic vulnerabilities (e.g., regulatory gaps, weak oversight), and environmental conditions (e.g., economic instability, globalization). For instance, the rise of cyber-enabled economic crimes in Iran reflects both technological advancements and the exploitation of regulatory loopholes. The article emphasizes that no single theory can fully explain economic crime; instead, a multidisciplinary approach is essential to develop context-specific interventions. This is particularly relevant in Iran, where the interplay of political, economic, and cultural factors creates a unique landscape for economic crime, necessitating tailored legal and policy responses (Haji Dehabadi, 2020; Haji Dehabadi & Ghaderi Nia, 2021).

Iran's legal system, despite recent reforms, remains ill-equipped to address the evolving nature of economic crimes. The IPC's restrictive definition of economic crimes—often conflated with financial fraud or corruption—fails to capture the full spectrum of offenses, such as market manipulation, tax evasion, and illicit financial flows. This ambiguity has led to inconsistent prosecutions, with offenders frequently escaping accountability due to procedural loopholes or political interference. Moreover, Iran's punitive legal culture prioritizes retribution over rehabilitation, resulting in overcrowded prisons, high recidivism rates, and a lack of meaningful social reintegration for offenders. The article critiques the absence of a dedicated legal framework for economic crimes, noting that existing provisions in the

IPC are outdated and insufficiently detailed. For example, the IPC's treatment of economic crimes lacks clear guidelines for determining appropriate sanctions, leading to arbitrary sentencing that undermines the rule of law. To address these shortcomings, the article advocates for the adoption of modern criminological principles, including the systematic use of alternative punishments, risk-based offender classification, and data-driven policy design. Such reforms would not only enhance legal efficacy but also align Iran's justice system with international best practices, fostering greater transparency and public confidence (Haji Dehabadi, 2020; Haji Dehabadi & Soleymani, 2021, 2022).

In conclusion, the integration of modern criminology into Iran's legal framework represents a critical step toward addressing the systemic challenges posed by economic crimes. By prioritizing rehabilitation, prevention, and evidence-based policy, Iran can transform its justice system from a reactive punitive apparatus into a proactive instrument of societal renewal. The proposed dual-criteria framework for defining economic crimes, combined with the adoption of alternative sanctions and risk-based offender management, offers a pragmatic pathway to reducing recidivism, restoring public trust, and safeguarding economic stability. Crucially, these reforms must be accompanied by broader institutional changes, including judicial training, interagency collaboration, and public awareness campaigns to shift societal attitudes toward crime and justice. As Iran navigates its economic and legal modernization, the principles of modern criminology provide a roadmap for building a justice system that is not only more effective but also more just—a system that recognizes the humanity of offenders while upholding the collective good. The time for incremental change has passed; Iran must embrace a bold, comprehensive reimagining of its approach to

economic crime to secure a more prosperous and equitable future.

References

- Ardabili, M. A. (2023). *General Criminal Law, Vol. 3, 6th ed.* Mizān Publications.
- Braithwaite, J. (2023). *Restorative Justice and Accountability Regulation.* Tehran.
- Esfandiari, M. S., & Javan Jafari, R. (2020). The Function of Prison from Sociological Theories of Punishment Perspective. *Journal of Criminal Law Education, 12.*
- Fazeh, J. (2023). *Victim-Perpetrator Mediation or Criminal Mediation: From Judicial Justice to Communicative Rationality.* Tehran.
- Gholami, H. (2020a). A Criminological Approach to the Foundations and Quality of Punishment Distribution in the Fifth Book of Islamic Penal Code. *Journal of Crime Prevention Research(16).*
- Gholami, H. (2020b). *Recidivism: A Legal-Criminological Study, 3rd ed.* Mizān Publications.
- Haji Dehabadi, A. (2020). Criminal Provisions of the Family Protection Law in Critical Perspective. *Strategic studies of women(48).*
- Haji Dehabadi, A., & Soleymani, E. (2021). *From Causality to Response in the Paradigm of Restorative Justice.* Restorative Justice Journal.
- Haji Dehabadi, A., & Soleymani, E. (2022). Criminalization Principles in Cyberspace: A Critical Approach to the Cybercrime Law. *Journal of Parliament and Strategy(80).*
- Haji Dehabadi, M. A., & Ghaderi Nia, M. (2021). Foundations, Effects, and Challenges of Criminal Right in Determining One's Fate in Criminal Proceedings. *Islamic Law Journal, 13(51).*
- Haji Dehabadi, M. A., & Soleymani, E. (2017). Criminalization in Cyberspace: From Causality to Response in the Paradigm of Restorative Justice. Tehran.
- Kāzemi, M. (2022). Effect of Capital Punishment on Deterrence of Drug and Psychotropic Crimes. *Social Health and Addiction Journal, 1(4).*
- Khālqī, A., & Shāh-Cherāgh, H. (2022). Economic Analysis of Criminal Law Based on Legal Pragmatism Theories. *Journal of Criminal Law Education, 7.*
- Mahmoodi Janki, F. (2019). *Criminal Justice System: Objectives and Necessities.* Encyclopedia of Criminology.
- Rostami, H. (2016). Conflict Between Deontological and Teleological Utilitarianism in Justification of Punishment. *Criminal Justice Research, 7(2).*
- Saburi Pour, M. (2016). *Modeling for Determining Optimal Severity of Monetary Punishment.* Encyclopedia of Criminology.

Schaefer, S. (2018). *Compensation and Restitution to Victims of Crime*. Patterson and Smith Publishing.